



مسجد نبوی

بائس و بائس

سید حسن یوسفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ
الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى
آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ
سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ
نَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّى
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ
فِيهَا طَوِيلًا.

اللهم عجل لوليک الفرج

مهدی شناسی با پرسش و پاسخ

مؤلف:..... سید حسن یوسفی

ناشر:..... مؤسسه انتشاراتی لاهوتیان

نوبت چاپ:..... دوم. زمستان ۱۳۸۶

چاپ:..... امیران

تیراژ:..... ۵۰۰۰ نسخه

شابک:..... ۹۶۴-۸۷۷۸-۱۶-۷

قیمت:..... ۱۴۰۰ تومان

مرکز پخش: مرکز فرهنگی علقه

تلفن: ۷۷۴۷۴۹۳-۷۷۳۲۵۷۲-۰۲۵۱-۰۲۵۱ نمابر: ۷۸۳۱۸۱۷

تلفن ۰۹۱۲۳۵۱۰۸۸۶-۰۹۱۲۱۵۳۹۰۲۹

آدرس: قم- خیابان دور شهر- کوچه ۱۸- فرعی ۱۴- پلاک ۶

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به مرکز فرهنگی علقه می باشد.

مہدیشامی

پاپرشروینخ

بہ صمیمیہ دعا

سید حسن یوسف

دل می رود ز دستم صاحب زمان خدا را
بیرون خرام از غیبت طاقت نماند ما را
ای کشتی ولایت از غرق ده نجاتم
باشد که باز بینم دیدار آشنا را
ای صاحب هدایت شکرانه ولایت
از خوان وصل بنواز مهجور بی نوا را
مست شراب شوق این نغمه می سراید
هات الصبوح حیوا یایها السکارا
ده روز مهرگردون، افسانه است و افسون
یک لحظه خدمت تو بهتر ز ملک دارا
آن کو شناخت قدرت هرگز نگشت محتاج
این کیمیای مهرت، سلطان کند گدا را
آینه سکندر، کی چون دل تو باشد
با آفتاب تابان، نسبت کجاست ما را
در کوی حضرت تو فیض ار گذر ندارد
دربار گاه شاهان، ره نیست هر گدا را

فهرست

مقدمه ۱۱

بخش اول: پرسش و پاسخ ۱۱

فصل اول: شخصیت ۱۳

۱ (معرفی امام زمان علیه السلام) ۱۳

۲ (تاریخ و محل ولادت امام زمان علیه السلام) ۱۴

۳ (حسنی یا حسینی؟) ۱۶

۴ (چرا از بردن نام خاص امام زمان علیه السلام نهی شده است؟) ۱۷

۵ (چرا امام زمان علیه السلام معروف به قائم شده‌اند حال آنکه تمام ائمه علیهم السلام

قائم به حق هستند؟) ۱۹

۶ (چرا زمانی که نام «قائم» را می‌برند، بلند شده و دست بر سر

می‌گذارند؟) ۲۰

۷ (حضرت امام زمان علیه السلام در چه سنی به امامت رسیده‌اند؟) ۲۱

۸ (شبهاتی میان پیامبران و امام زمان علیه السلام) ۲۴

فصل دوم: غیبت ۲۵

۱ (از کجا، روز جمعه متعلق به امام زمان علیه السلام شده است؟) ۲۵

۲ (فرق غیبت صغری با غیبت کبری چیست؟) ۲۷

- ۳) آیا در زمان غیبت کبری می شود امام زمان علیه السلام را ملاقات کرد؟ ۲۹
- ۴) فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟ ۳۳
- ۵) آیا خداوند نمی توانست او را در حضور، از دشمنان حفظ کند؟ ۳۹
- ۶) آیا امام غائب، فائده ای دارد؟ ۴۰
- ۷) مکان امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کجاست؟ ۴۹
- ۸) آیا جریان جزیره خضراء صحت دارد؟ ۵۱
- ۹) آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزند دارند؟ ۵۲
- ۱۰) آیا طول عمر امام زمان علیه السلام توجیه پذیر است؟ ۵۶
- ۱۱) احادیثی که قیام را در زمان غیبت امام زمان علیه السلام منع کرده اند چگونه با بعضی قیام ها مانند انقلاب اسلامی ایران سازگارند؟ ۵۸
- ۱۲) وظیفه ما در زمان غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام چیست؟ ... ۶۰
- ۱۳) آیا دعای ندبه از امام معصوم علیه السلام است؟ ۷۴

فصل سوم: ظهور و قیام ۷۶

- ۱) آیا تعیین وقت ظهور که از طرف بعضی ها صورت می گیرد، صحیح است؟ ۷۷
- ۲) آیا امام زمان علیه السلام خودشان وقت ظهور را می دانند؟ ۷۸
- ۳) ظهور امام زمان علیه السلام به چه نحوی آغاز می شود؟ ۸۰
- ۴) علائم ظهور کدامند؟ ۸۱
- ۵) دجال کیست؟ ۸۵

- ۶) سفیانی کیست؟ ۸۹
- ۷) آیا امام زمان علیه السلام با شمشیر و اسب و... جنگ خواهد کرد؟ ... ۹۱
- ۸) آیا امام زمان علیه السلام فقط با زبان شمشیر با دشمنان حرف می‌زنند؟ ۹۴
- ۹) خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام چیست؟ ۹۵
- ۱۰) نگرش امام زمان علیه السلام به زنان چگونه است و نقش آنان در حکومت حضرت چیست؟ ۹۷

فصل چهارم: حکومت ۱۰۱

- ۱) مقرر حکومت امام زمان علیه السلام کجاست؟ ۱۰۱
- ۲) حکومت امام زمان علیه السلام چند سال طول خواهد کشید؟ ۱۰۲
- ۳) آیا در زمان دولت امام زمان علیه السلام کافر، مشرک و اهل کتابی باقی خواهد بود؟ ۱۰۳
- ۴) آیا قضاوت امام زمان علیه السلام با سایر ائمه علیهم السلام فرق می‌کند؟ ۱۰۵
- ۵) امام زمان علیه السلام چگونه انتقام ظلمهائی که به اجداد طاهرینش علیهم السلام شده است خواهد گرفت؟ ۱۰۵
- ۶) آیا امام زمان علیه السلام جانشینی خواهند داشت؟ ۱۰۷
- ۷) آیا امام زمان علیه السلام به شهادت خواهند رسید؟ ۱۰۸
- ۸) غسل و کفن و نماز و دفن امام زمان علیه السلام بر عهدۀ چه کسی خواهد بود؟ ۱۰۹
- ۹) رجعت چیست؟ ۱۰۹

۱۱۵	بخش دوم: زیارات و ادعیه
۱۱۷	زیارت آل یاسین
۱۲۰	زیارت دوم
۱۲۲	زیارت سوم
۱۲۴	زیارت چهارم
۱۲۵	ذکر صلوات بر حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>
۱۲۵	دعای عهد
۱۲۷	دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۳۰	استغاثه به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۳۱	نماز حضرت صاحب الزمان <small>علیه السلام</small>
۱۳۲	ادعیه فرج
۱۳۲	دعای اول
۱۳۳	دعای دوم
۱۳۳	دعای سوم
۱۳۴	دعای چهارم
۱۳۴	دعا در زمان غیبت
۱۳۸	دعای ندبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله ﷺ:

«من مات و هو لا يعرف إمامه مات ميتة جاهلية» (۱)

شناخت امام زمان علیه السلام شرط واجب ایمان است و در روایات زیادی بر این مهم تأکید شده و فرموده‌اند: امام علیه السلام راهنمای میان خداوند و آفریدگان اوست. هر که او را بشناسد مؤمن است و هر که منکرش شود کافر. (۲)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که کسی که ما را نشناسد اگرچه منکر ما هم نباشد، گمراه است تا آن که به سوی هدایتی که خدا بر او واجب کرده، یعنی اطاعت از امام، برگردد و اگر در حال گمراهی بمیرد خدا با او هر آنچه بخواهد می‌کند. (۳) از آنجایی که اطاعت خداوند، رهین شناخت و اطاعت امام علیه السلام است. (۴) لازم است در هر زمانی نسبت به معرفت امام عصر علیه السلام سعی فراوان شود. به ویژه در دوران غیبت که گاه امتحان است و به علت طولانی شدن آن، بسیاری از مردم، وجود و حضور امام علیه السلام را به فراموشی سپرده‌اند.

اگر چه کتابها، جزوه‌ها، مقالات و مجلات زیادی در زمینه مهدویت و غیبت و پیرامون زندگی امام زمان علیه السلام وجود دارد

۱. بحار: ج ۲۳، ص ۴۶.

۲. بحار: ج ۲۳، ص ۸۸.

۳. کافی: ج ۱، ص ۱۸۷.

۴. بحار: ج ۲۳، ص ۸۳.

ولی به راستی که:

در وصف یار، هر چه بگویند باز هم کم است
 گر می‌گشود فراق، ولی وصل، مرهم است
 این برگ سبز نیز نوشتاری است که در آن سعی شده است به
 بسیاری از سوالات نوجوانان و جوانان راجع به امام
 عصر علیه السلام و غیبت و ظهور پاسخ داده شود. بیان رسا، استفاده
 از روایات، شیوه و قلم چاپ و پرهیز از پرداختن و غوطه‌ور
 شدن در جزئیات از خصوصیات این کتاب است.
 امیدوارم که خوانندگان محترم، انتقادات سازنده خود را از
 بنده دریغ نفرمایند.

و سخن ما به امام زمان علیه السلام همان سخن برادران یوسف است
 که:

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ
 لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾

اللهم عجل لوليک الفرج

قم المقدسة

رجب المرجب ۱۴۲۶

سید حسن یوسفی

بخش اول:

پرسش و پاسخ

فصل اول: شخصیت

فصل دوم: غیبت

فصل سوم: ظهور و قیام

فصل چهارم: حکومت

همه هست آرزویم که بینم از تو رویی
چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی
به کسی جمال خود را ننموده‌ای و بینم
همه جا به هر زبانی ز تو هست گفتگویی
همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا
تو قدم به چشم من نه بنشین کنار جویی
چه شود که از ترحم دمی ای سحاب رحمت
من خشک لب هم آخر ز تو تر کنم گلویی

فصل اول: شخصیت

﴿۱﴾

معرفی امام زمان

نامش محمد فرزند ابومحمد حسن عسکری علیه السلام است مادرش را به نامهای مختلفی خوانده‌اند^(۱): صَقِيل، حکیمه،

۱. در اینکه چرا مادر حضرت امام زمان (عج) را به چندین نام، معرفی کرده‌اند چند احتمال وجود دارد:

(الف) احتمال دارد همه این اسامی برای او به کار می‌رفته و هر کس ایشان را به یک اسم صدا می‌زده است.

(ب) حضرت امام حسن عسکری علیه السلام کنیزان زیادی داشتند و ممکن است راویان آنها را اشتباه می‌گرفتند.

(ج) شاید اشتباهات ذکر نام ایشان عمدی بوده است تا مبادا دشمنان ایشان به راحتی بفهمند که کدام کنیز، مادر امام زمان (عج) خواهد بود.

هر سه احتمال شاهد روایی هم دارد. تاریخ الغيبة الصغری: محمد صدر،

ص ۲۴۲ - دادگستر جهان: ص ۱۱۳ - مهدی موعود: پاورقی صفحه ۲۲۰.

نرجس، ریحانه، ملیکه، سوسن، مریم، خَمَطُ
کنیه اش ابوالقاسم و القابش «حجت آل محمد»،
«خلف صالح» و «منتظر» است.

او را «مؤمل»، «مهدی»، «قائم»، «منصور»، «صاحب الامر»،
«بقیة الله»، «خاتم الاوصیاء»، «خاتم حجج الله»، و «صاحب الزمان»
نیز می گویند که این نام گذاری ها به اعتبار ویژگی های ایشان و به
جهت اشاره به امتیازات و خصائص آن حضرت می باشد.
اسماء و القاب حضرت را تا ۱۸۲ اسم شمرده اند. (۱)

﴿۲﴾

تاریخ و محل ولادت امام زمان

در محل ولادت حضرت، اختلافی نیست و قطعاً آن حضرت در
شهر «سامراء» به دنیا آمده اند. ولی در تاریخ ولادت، اختلاف شده
است: روایات زیادی سال تولد را ۲۵۵ هـ.ق بیان می کنند.
اربلی در کشف الغمّة سال ۲۵۸ هـ.ق را می نویسد. تاریخ

۱. نجم الثاقب: باب دوم - بحار: ج ۵۱، ص ۲۸ - الشموس المضيئة: ص ۵۳ -
الغیبة شیخ طوسی: ص ۲۴۱/ کمال الدین شیخ صدوق: ص ۳۱۷ - مقدمه
مهدی موعود: ص ۱۷۴ - تاریخ الغیبة الصغری: محمد صدر، ص ۲۴۰.

منصوری، سال ۲۵۹ هـ. ق می‌گوید. در روایتی سال ۲۵۴ و در روایات دیگری سال ۲۵۶ هـ. ق. گروهی روز تولد را در نیمه شعبان و گروهی بیست و سوم رمضان، عده‌ای روز هشتم شعبان و برخی شب جمعه، سوم ماه شعبان می‌دانند.

و مشهور بین علمای شیعه، طلوع فجر روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق است.

کلینی رضی الله عنه در کافی، سال ۲۵۵ هـ. ق آورده است و شیخ صدوق رضی الله عنه در کمال الدین، روز جمعه، نیمه شعبان را روز تولد نوشته است، شهید اول رضی الله عنه در کتاب دروس، روز جمعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق را بیان کرده است. شیخ طوسی رضی الله عنه در مصباح و سید بن طاووس رضی الله عنه در اقبال، نیمه شعبان را روز تولد دانسته‌اند. ^(۱) این اختلافات به دلیل مخفی بودن تولد حضرت بر عده‌ای بوده است و آنان بعد از مدتی که امام علیه السلام را دیده‌اند یا خبر تولد به آنان رسیده است فکر کرده‌اند که در همان زمان، حضرت به دنیا آمده‌اند.

البته آنچه در این میان مهم می‌نمود، اصل تولد امام زمان علیه السلام بود لذا به اختلافی چند که در زمان تولد بود اعتنایی نمی‌شد.

۱. بحار: ج ۵۱، ص ۴، روایات ۴ به بعد.

۴۳۶

حسنى يا حسينى؟

در روایات زیادی که در کتب اهل سنت و شیعه وجود دارد تصریح شده است که مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام می باشد. سلمان فارسی رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: یا رسول الله، مهدی علیه السلام از کدام فرزندان به وجود می آید؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله دست مبارکش را بر حسین علیه السلام زده و فرمود: از این (۱).

در روایتی نیز اینکه مهدی علیه السلام از نسل حسین علیه السلام باشد، از عنایات الهی به آن حضرت شمرده شده است:

از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده که خداوند در مقابل شهادت امام حسین علیه السلام چهار ویژگی به آن حضرت عطا فرمود:
اول آنکه امامت را در ذریه او قرار داد.

دوم اینکه شفا را در تربت آن جناب قرار داد.

سوم استجابت دعاکنار و زیر قبه آن حضرت و

چهارم اینکه ایام زیارت از عمر زائران حساب نمی شود. (۲)

البته روایاتی نیز وجود دارد که مهدی علیه السلام را از نسل هر دو می دانند. (۳) زیرا مادر امام محمد باقر علیه السلام یعنی همسر امام

۱. ذخائر العقبی: ص ۱۳۶. ۲. وسائل الشیعه: ج ۱۰، ص ۳۲۹.

۳. اثبات الهداة: ج ۷، ص ۱۸۳.

سجاد علیه السلام «امّ عبدالله» دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است پس امام باقر علیه السلام و اولاد او از طرف مادر، حسنی هستند و از طرف پدر، حسینی.

﴿۴﴾

چرا از بردن نام خاصّ امام زمان علیه السلام نهی شده است؟

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: بردن نام قائم علیه السلام جایز نیست. (۱) از امام عسکری علیه السلام نیز نقل شده است که: «بردن نامش برایتان جایز نیست و او را حجت آل محمد صلی الله علیه و آله بنامید». (۲) امام جواد علیه السلام فرمودند: به اسم نامیدنش حرام است. (۳) خود حضرت در جواب بعضی نامه‌ها که از طریق نوّاب خاصشان به دست مردم می‌رسید نوشته‌اند که هر کس در جمعی از مردم نام مرا ببرد خداوند او را لعنت کند (۴).

البته در بعضی روایات و ادعیه، نام حضرت توسط حضرات معصومین علیهم السلام برده شده است. در روایتی، امام صادق علیه السلام در معرفی جانشین خویش به مفضل بن عمر می‌گوید: جانشین من، فرزندانم

۱. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۴۶۹. ۲. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۴۹۰.

۳. وسائل الشیعة: ج ۱۱، ص ۴۸۹. ۴. بحار: ج ۵۱، ص ۳۳.

موسی است و امام منتظر، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی می باشد. (۱)

بسیاری از قدمای امامیه اعم از فقها و متکلمین و محدثین مانند شیخ طوسی و علامه مجلسی علیه السلام و همچنین محدث نوری علیه السلام روایات نهی را حمل بر ظاهر کرده و تا زمان ظهور، بردن نام حضرت را حرام و عده دیگری نیز مکروه دانسته اند. سید نعمت الله جزایری علیه السلام در شرح عیون الاخبار دوازده دلیل بر حرمت آن آورده است.

محدث نوری علیه السلام در نجم الثاقب آورده است که در عصر شیخ بهایی علیه السلام اختلافی میان علما واقع گردید و قول جواز قائلینی پیدا کرد.

محقق ارجمند جناب آقای شیخ علی دوانی در پاورقی صفحه ۳۷۰ از کتاب مهدی موعود چنین می نویسد: از مجموع روایات، استفاده می شود که اصرار و تأکیدی که در خصوص مخفی بودن نام حضرت رسیده، مربوط به ایام ولادت و غیبت صغری بوده است. زیرا فلسفه مخفی بودن حضرت، حفظ جان آن عزیز بوده است. لذا بعد از غیبت کبری که خداوند آن حضرت را از شر دشمنانش محفوظ نمود، موضوع تقیه از میان رفته است و وقتی موضوع نبود

۱. وسائل الشیعه: ج ۱۱، ص ۴۹۱.

حکمی نمی آید و در این زمان هیچ گونه حکمتی در منع از ذکر نام حضرت به نظر نمی رسد.

مراجع عظام تقلید نیز اشکالی در بردن نام حضرت نمی بینند و جایز دانسته اند. اما با این حال باز هم بهتر است از القاب زیبای حضرت مانند مهدی، حجت بن الحسن و... استفاده شود.

﴿۵﴾

چرا امام زمان علیه السلام معروف به قائم شده اند حال آنکه

تمام ائمه علیهم السلام قائم به حق هستند؟

شیخ صدوق رحمته الله علیه در کتاب **علل الشرایع** از ابو حمزه ثمالی نقل می کند:

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: یا بن رسول الله، مگر شما ائمه، قائم به حق نیستید؟ فرمود: بلی، عرض کردم: پس چرا فقط امام منتظر علیه السلام قائم نامیده شده است؟ فرمودند: چون جدّم امام حسین علیه السلام شهید شدند فرشتگان به درگاه الهی نالیدند و گفتند: پروردگارا، آیا قاتلین بهترین بندگان و زاده اشرف برگزیدگان را به حال خود وامی گذاری؟

خداوند به آنها وحی فرستاد که ای فرشتگان من آرام گیرید. به عزت و جلالم سوگند، از آنها انتقام خواهم گرفت هر چند بعد از

گذشت زمانها باشد. آنگاه پروردگار عالم، امامان اولاد امام حسین علیهم السلام را به آنها نشان داد و فرشتگان مسرور گشتند. یکی از امامان ایستاده و نماز می‌گذارد. خداوند فرمود: «بذلک القائمُ انتقمُ مِنْهُمْ» یعنی به وسیله این قائم از آنها انتقام می‌گیرم. در کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق رحمته الله روایتی آمده که «سُمِّيَ القائمُ قائماً لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ» یعنی از این جهت او را «قائم» می‌گویند که پس از فراموش شدن نامش قیام می‌کند رحمته الله.

﴿۶﴾

چرا زمانی که نام «قائم» را می‌برند، بلند شده و دست بر سر می‌گذارند؟

این رفتار در بین تمام شیعیان مرسوم بوده و هست و نقل شده که امام رضا علیه السلام در یکی از مجالس خراسان حضور داشت و کلمه «قائم» مذکور شد.

پس آن حضرت ایستادند و دست مبارک بر سر نهاده و فرمودند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ» این عمل در عصر امام صادق علیه السلام هم معمول بوده است. خدمت آن جناب عرض شد:

علت چیست که در موقع ذکر قائم باید قیام کرد؟ فرمودند:
صاحب الامر غیبتی طولانی خواهند داشت و در آن زمان هر
کس ایشان را به لقب «قائم» یاد کند - که این نام یادی از دولت امام
زمان علیه السلام و اظهار تأسفی است از غربت او - آن حضرت هم نظر
لطفی به او خواهد کرد و چون در این حال مورد توجه امام علیه السلام واقع
می شود، سزاوار است از باب احترام بپاخیزد و تعجیل فرجش را از
خدا بخواهد. (۱)

پس این رفتار شیعیان، ریشه روایی دارد.

﴿۷﴾

حضرت امام زمان علیه السلام در چه سنی به امامت رسیده اند؟

امام عصر علیه السلام بنا بر مشهور در سال ۲۵۵ هـ. ق به دنیا آمدند و امام
حسن عسکری علیه السلام یعنی پدر بزرگوارشان در سال ۲۶۰ هـ. ق به
شهادت رسیدند. با این حساب ایشان در سن پنج سالگی به مقام
ولایت و امامت منصوب شده اند. اگر کسی اشکال کند که مگر
می شود چنین مسئولیتی را به یک بچه پنج ساله داد پاسخ می گوییم:

۱. دادگستر جهان: ص ۱۲۵ به نقل از الزام الناصب ص ۸۱.

نبوت، مقام ارجمندی است که شخص واجد آن مقام با حق تعالی ارتباط و اتصال داشته و از افاضات و علوم غیبی برخوردار می‌شود، احکام و قوانین الهی بر باطن و قلب نورانیش وحی و الهام می‌گردد و پیامبر در حالی آنها را دریافت می‌کند که از هرگونه خطا و اشتباهی معصوم است. امامت و ولایت نیز مقام بزرگی است که واجد آن مقام، طوری احکام خدایی و علوم نبوت را تحمل و ضبط می‌کند که خطا و نسیان و عصیان در ساحت وجود مقدسش راه ندارد و همواره با عوالم غیبی مرتبط بوده و از افاضات و اشراقات الهی بهره‌مند می‌گردد. به دلیل علم و عمل، پیشوا و امام و مظهر دین و حجت خداوند است.

پیغمبر و امام، از حیث آفرینش ممتازند و به واسطه همین استعداد و امتیاز ذاتی، خداوند متعال آنان را به مقام شامخ نبوت یا امامت انتخاب می‌کند. این امتیاز از همان آغاز کودکی در وجود آنان موجود است و هر وقت که شرایط موجود باشد و مانعی در کار نباشد، آن افراد رسماً به مقام و منصب نبوت و امامت معرفی می‌شوند و مأمور حفظ و تحمل احکام می‌گردند. این انتصاب گاهی قبل از بلوغ و گاهی در زمان دیگری بعد از بلوغ انجام می‌گیرد. چنانکه حضرت عیسی علیه السلام در گهواره با مردم سخن گفتند و

خودشان را پیغمبر و صاحب کتاب معرفی کردند. (۱)

اتفاقاً حضرت امام جواد علیه السلام نیز در سن هفت یا نه سالگی به امامت رسیدند و از جهت صغر سن، امامتش در بین بعضی از شیعیان مورد تردید واقع شد. لذا گروهی از بزرگان شیعه خدمتش رسیدند و صدها مسأله مشکل از ایشان پرسیدند و جوابهای صحیح و قانع کننده‌ای دریافت نمودند و کراماتی نیز مشاهده کردند که شک و شبهه آنان برطرف شد.

امام رضا علیه السلام پیوسته امام جواد علیه السلام را به عنوان امام معرفی می‌کرد و در مقابل تعجب مخاطبین می‌فرمودند: حضرت عیسی علیه السلام هم در سن کودکی پیغمبر و حجّت خدا شد. (۲)

امام علی النقی علیه السلام نیز در سن شش سالگی به امامت رسیدند. (۳)

با این بیان، سؤال کننده با انصاف، قانع شده و دیگر شبهه‌ای برایش در این خصوص باقی نخواهد ماند.

۲. اثبات الوصیة: ص ۱۶۶.

۱. مریم: ۲۹.

۳. مناقب ابن شهر آشوب: ج ۴، ص ۴۰۱.

﴿۸﴾

شباهتهایی میان پیامبران و امام زمان علیه السلام

- ۱ - شباهتش به آدم و نوح علیهم السلام طول عمر آن حضرت است.
- ۲ - شباهتی به یونس علیه السلام دارد که بعد از پیری به صورت جوانی به سوی قومش برگشت.
- ۳ - شباهتش به یوسف علیه السلام پنهان بودن او از آشنایان خویش است با آنکه مسافت بین او و آنها کم بود.
- ۴ - شباهتی به صالح نبی علیه السلام دارد و آن چند دسته شدن قومش در مدت دوری اوست.
- ۵ - شباهتش به خضر و ذوالقرنین علیهم السلام طولانی شدن غیبت است.
- ۶ - شباهتی به ابراهیم و موسی علیهم السلام دارد و آن پنهان بودن ولادت او و غیبت و دوری گزیدن از قومش است. سنتی نیز از موسی علیه السلام دارد که انتظار اذن از طرف خداوند برای قیام است.
- ۷ - شباهتی به عیسی علیه السلام دارد و آن اختلاف مردم درباره زنده بودن یا مردن آن حضرت است.
- ۸ - شباهتش به جدش در نام و کنیه و قیام با شمشیر است. (۱)

۱. مهدی موعود: باب هیجدهم، ص ۴۷۸ - الشمووس المضمیئه: باب سوم، فصل ششم - آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی در «مکیال المکارم» شباهتهای حضرت را به پیامبران بیان کرده است: اثبات الهداة: ج ۳ ص ۴۹۶.

﴿۹﴾

از کجا، روز جمعه متعلق به امام زمان علیه السلام شده است؟

روز جمعه از چند جهت اختصاص به امام عصر علیه السلام دارد:
 اولاً: ولادت باسعادت آن جناب، روز جمعه بوده است و ثانیاً:
 ظهور آن حضرت طبق روایات، در آن روز خواهد بود و انتظار فرج
 در آن روز بیشتر از روزهای دیگر است و در زیارت مختصه آن
 حضرت در روز جمعه آمده است که:

«.. هذا يومُ الجمعة و هو يومُک المتَوَقَّعُ فیه ظهورک...»

یعنی: این روز جمعه است و آن روز توست که در آن ظهور تو
 انتظار کشیده می شود...»

و اینکه روز جمعه عید شمرده شده است به همین جهت است.
 در بعضی روایات، از حضرت صاحب الزمان علیه السلام تعبیر به جمعه
 شده است که کنایه از شخص شریف آن حضرت است و امام علی
 النقی علیه السلام در شرح حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرموده اند: «با روزها
 دشمنی نکنید که آنها هم با شما دشمنی خواهند کرد» چنین
 فرموده اند: «روزها ماییم مادامی که آسمانها و زمین بیاست: شنبه،
 اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و یکشنبه، امیرالمؤمنین علیه السلام و دوشنبه، حسن و
 حسین علیه السلام و سه شنبه، علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن
 محمد علیه السلام و چهارشنبه، موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد
 بن علی و من (علی بن محمد) و پنجشنبه، فرزندان حسن علیه السلام و
 جمعه، فرزندان فرزندان است که اهل حق به سوی او جمع

می شوند. (۱)

طبق روایات، اوقاتی مخصوص امام عصر علیه السلام است:

اول: شب قدر

دوم: روز جمعه

سوم: روز عاشورا

چهارم: از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب هر روز

پنجم: عصر دوشنبه

ششم: عصر پنجشنبه

هفتم: شب و روز نیمه شعبان

هشتم: نوروز (۲)

۱. مفاتیح الجنان: باب اول، فصل پنجم به نقل از جمال الاسبوع.

۲. نجم الثاقب: باب یازدهم.

فصل دوم : غیبت

﴿ ۱ ﴾

فرق غیبت صغری با غیبت کبری چیست؟

امام زمان علیه السلام دو مرتبه غیبت نموده و از دیدگان مردم مخفی شدند:

مرتبه اول از سال تولد آن جناب یا از سال شهادت پدر بزرگوارشان (یا از سال ۲۵۵ هـ.ق یا سال ۲۶۰ هـ.ق) شروع شد و تا سال ۳۲۹ هـ.ق ادامه داشت.

در طول این مدت گرچه از نظر عموم مردم غائب بودند، ولی ارتباط با آن حضرت کاملاً منقطع نبود و نایبان خاص آن حضرت خدمت ایشان رسیده و احتیاجات مردم را برطرف می نمودند این ۶۹ یا ۷۴ سال را غیبت صغری می گویند.

غیبت دوم از سال ۳۲۹ هـ.ق شروع شد و تا زمان ظهور ادامه خواهد یافت که این را غیبت کبری می گویند و در روایات، به این دو غیبت اشاره شده است. (۱)

در غیبت صغری، امام زمان علیه السلام نایبان خاصی برای خود تعیین

کرده بودند که در تعداد آنها اختلاف است ولی چهار نفر در بین شیعیان، معروف هستند که عبارتند از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمّری که هر یک از اینها هم در شهرهای مختلف، نمایندگان داشتند. (۱)

چند روز قبل از وفات علی بن محمد سمّری، نامه‌ای از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده بود که: شش روز دیگر اجلت خواهد رسید و دیگر کسی را جانشین خود قرار مده. زیرا بعد از این، غیبت کامل واقع خواهد شد... (۲)

در غیبت کبری، نائب خاصی برای حضرت نیست و فقط آن حضرت، فقهایی را که حافظ نفس خود، نگهبان دین خویش، مخالف هوا و هوس و مطیع امر مولا باشند به عنوان مرجع معرفی نموده و دستور داده‌اند که مردم به آنها رجوع کرده و احکام دین را دریافت نمایند:

«من کان حافظاً لدینه، صائماً لنفسه، مخالفاً لهواه، مطیعاً لأمر مولاہ فیللعوام ان یقلدوه»
و نیز فرموده‌اند:

۱. بحار: ج ۵۱، ص ۳۶۲.

۲. بحار: ج ۵۱، ص ۳۶۱.

«و اما الحواث الواقعة فارجعوا فيها الى رِوَاة حَدِيثنا»^(۱) یعنی در حوادثی که برای شما پیش می آید، به راویان حدیث ما رجوع کنید. بدیهی و روشن است که این راویان در زمان غیبت کبری، منحصر به فقها و مجتهدین و مراجع تقلید شیعه است. لازم به توضیح است که غیبت صغری مقدمه غیبت کبری و زمینه ساز آن بوده است چون ابتدای غیبت بود و اذهان مردم، انس به غیبت نداشت و اگر غیبت کبری، ناگهانی و بدون مقدمه، واقع می گردید موجب انکار و انحراف می شد؛ لذا نزدیک به هفتاد سال، رابطه مردم با امام علیه السلام به وسیله نایبان خاص حفظ شد و بعد از آن غیبت تامه، صورت گرفت.

﴿۲﴾

آیا در زمان غیبت کبری می شود امام زمان علیه السلام را ملاقات کرد؟

بله، در زمان غیبت کبری، امام زمان علیه السلام اگر اراده کنند که با کسی ملاقات نمایند، این کار صورت می پذیرد و پاکان روزگار که توفیق دیدار ایشان را یافته اند تعدادشان به حدی زیاد است که داستان آن ملاقات ها خود کتاب مفصلی است^(۲) ولی باید آگاه باشیم که در

۱. احتجاج طبرسی: جواب نامه اسحاق بن یعقوب.

۲. نجم الثاقب: باب هفتم - منتهی الآمال - العبقری الحسان.

توقیعی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام برای نایب چهارم ایشان، ابوالحسن سمری، بیرون آمد حضرت چنین فرموده بودند که:

«به زودی در میان شیعیان کسانی پیدا می شوند که ادعا می کنند مرا دیده اند بدان هرکس پیش از خروج سفیانی و صحیحۀ آسمانی ادعا کند که مرا دیده است، دروغ می گوید و بر من افترا می بندد».

واضح است که این توقیع مبارک، در صدد بیان نفی امکان رؤیت آن حضرت در زمان غیبت کبری نیست، بلکه این توقیع شریف برای بستن دکانها و جلوگیری از بدعتها و تکذیب مدعیان نیابت خاصه مانند اقطاب صوفیه و رکن رابع شیخیه و مدعیان مهدویت صادر گردید. ولی افسوس که با وجود چنین روایت صریحی، باز هم کسانی هستند که از ساده لوحی و نادانی مردم استفاده و برای خودشان دکانها باز کرده اند^(۱) لذا وظیفه و مسؤولیتی که در این مورد به دوش دوست داران حضرت است، تکذیب کسانی است که دم از ارتباط با آن حضرت زده و هر نوری را که به چشمشان می رسد، نور مقدس امام علیه السلام خیال کرده و با اعتقادات مردم بازی و از سادگی مردم سوء استفاده نموده و خود را مورد توجه خاص امام زمان علیه السلام جا می زنند.

حال آنکه (والله يعلم ما یسرّون و ما یعلنون)

۱. مهدی موعود: باب بیست و یکم تا بیست و نهم - تنزیه الانبیاء - الطرائف:

ص ۱۸۴ - بحار: ج ۵۳/۵۲، ص ۱۵۱/۳۱۸ - جنة المأوی.

«گلی از بوستان تشریف»

«ابوراجح حمّامی» شخصی شیعه بود که در حله زندگی می‌کرد. حاکم حله مردی ناصبی بود به نام «مرجان صغیر». به مرجان خبر دادند که ابوراجح، خلفای پیامبر را دشنام می‌دهد. لذا آن ملعون هم دستور دستگیری ابوراجح را صادر کرد. ابوراجح را با دست بسته نزد مرجان بردند و او دستور داد ابوراجح را شکنجه کنند. تمام بدن ابوراجح، مجروح شده بود و آن قدر بر سر و صورت او زدند که از شدت ضربات، دندانهایش شکست و تمام صورتش ورم کرد. سپس زبان او را با زنجیری آهنین بستند و بینی‌اش را نیز سوراخ نموده، ریسمانی به آن بسته و به دست ظالمینی دادند تا در کوچه و بازار به همین شکل، او را بگردانند تا مایه خواری شیعیان شود. شکنجه، آن قدر سنگین بود که همه فهمیدند که ابوراجح دیگر زنده نخواهد ماند. حال او را به مرجان خبر دادند و مرجان گفت که او را بکشید. بعضی از اطرافیان مرجان او را از این کار منع کردند و گفتند او امشب خواهد مرد و لازم نیست شما دست خود را به خون او آلوده کنید. لذا او را با همان وضع اسفناک به اهل خانه‌اش تحویل دادند و همه یقین داشتند که او چند ساعت دیگر خواهد مرد. او را در اتاقی تنها خوابانیدند. وقتی صبح شد با کمال تعجب دیدند که او ایستاده و مشغول نماز است و تمام زخمها و حتی دندانهایش درست شده است. استخوانهایش صحیح و صورتش بدون ورم و جای زخم. اطراف او را گرفتند و مسأله را جویا شدند. ابوراجح

گفت: دیشب در حالی که مرگ را با چشمانم می دیدم و برای طلب شفاء زبانی نداشتم، با زبان دل از خدا خواستم از مولایم حجت بن الحسن علیه السلام دادرسی نمودم. در آن حال خانه پر از نور شد. ناگاه امام زمان علیه السلام را دیدم که دست شریف خود را بر روی من کشیده و فرمود که خداوند به تو سلامتی عنایت کرد. لذا مرا به این حال می بینید. راوی داستان قسم می خورد که ابوراجح مردی بود ضعیف اندام و زردرنگ و بد صورت و کوسه. ولی بعد از آن جریان مردی قوی با ریشی بلند و صورتی سرخ شده بود که بیشتر از بیست سال هم نشان نمی داد و تا آخر عمر هم با همان وضعیت بود. (۱)

نور زُخت کرشمه به مهتاب می کند

دیده به یاد دیدن تو خواب می کند

جذاب تر ز یوسف مصری بیایا

آئینه را نگاه تو جذاب می کند

محتاج یک نگاه تو هستم و یک نگاه

خاک ضعیف را چو زرناب می کند

چشم تو را به چشمه چه حاجت که چشم تو

صد چشمه را ز عاطفه سیراب می کند

۱. بحار: ج ۵۲، ص ۷۰ - منتهی الآمال: باب چهاردهم، فصل پنجم، حکایت

ای عشق را محک به تو دل بسته نه فلک
 عشاق را نگاه تو بیتاب می‌کند
 ای شاه مُلکِ دل به تو دل بسته اهل دل
 شیعه به سینه عکس تو را قاب می‌کند
 سنگ تو را به سینه زدن عزت من است
 نوکر همیشه تکیه به ارباب می‌کند
 خوش زاد را شعور ابابیل داده‌اند
 سنگی به قوم ابرهه پرتاب می‌کند (۱)

﴿۳﴾

فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

ابتدا باید تذکر داد که سبب غیبت، نه از ناحیه خداوند متعال است و نه از ناحیه خود امام علیه السلام. زیرا کمال لطف خداوند اقتضا دارد که ولی و امام علیه السلام، ظاهر باشد. همانطور که مقتضای عصمت امام زمان علیه السلام این است که از وظایف و هدایت مردم غائب نباشد. لذاست که خواجه نصیرالدین طوسی رحمته الله علیه گفته است که:
 «غیبت مهدی علیه السلام نه از طرف خداوند است و نه خود امام علیه السلام.

۱. مجموعه شعر قفل شکسته

بلکه سبب غیبت، خود مکلفین هستند. چرا که لیاقت حضور امام را ندارند و از امام علیه السلام اطاعت نمی کنند و خوف بر جان امام علیه السلام غالب می شود و زمانی که سبب غیبت زائل شود، ظهور واقع خواهد شد. ان شاء الله». (۱)

فاضل مقداد رحمته الله نیز سبب خفاء امام علیه السلام را یا به خاطر مصلحتی می داند که خداوند می داند و یا به خاطر کثرت دشمنان و کمی یاران آن حضرت. (۲)

روایتی نیز از امیرالمؤمنین علی علیه السلام مؤید این مطلب است که فرمودند:

«بدانید که زمین خالی از حجّت نمی شود. ولی خداوند به خاطر ظلم هایی که مردم می کنند، چشم مردم را محروم از دیدن آن حجّت می کند». (۳)

و چه زیبا سروده است امام خمینی رحمته الله:

بگذر از خویش اگر عاشق دلباخته ای

که میان تو و او جز تو کسی حائل نیست (۴)

پس غیبت آن حضرت ناشی از تقصیر مردم است و قیام عدالت خواهانه جهانی، زمانی صورت خواهد گرفت که موانع آن برطرف

۱. رساله الامامة: فصل سوم، ص ۲۵.

۲. شرح باب حادی عشر: ص ۵۲ ۳. مکیال المکارم: ج ۱، ص ۱۳۲.

۴. دیوان حضرت امام خمینی رضوان الله علیه: ص ۶۷.

شود. اگر مانعی وجود نداشت، غیبتی نیز صورت نمی‌گرفت. ولی اگرچه ظهور آن حضرت انفع است، ولی از آنجا که افعال و مشیّات خداوند حکیم بر طبق مصالح و حکمت‌هایی است، لذا باید گفت که غیبت امام زمان علیه السلام نیز حکمتی دارد.

در احادیثی آمده است که دلیل اصلی غیبت امام زمان علیه السلام را کسی جز خداوند و اهل بیت علیهم السلام نمی‌داند.

به عنوان مثال: عبدالله بن فضل هاشمی می‌گوید: امام صادق علیه السلام

فرمود:

صاحب الامر، ناچار غیبتی خواهد داشت، به طوری که گمراهان در شک واقع می‌شوند. عرض کردم: چرا؟ فرمود: اجازه ندارم علتش را بیان کنم. گفتم: حکمتش چیست؟ فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجّتهای گذشته وجود دارد. حکمت اینها ظاهر نمی‌شود، مگر بعد از ظهور او، همچنانکه حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن جوان و تعمیر کردن دیوار توسط خضر نبی علیه السلام برای موسی علیه السلام آشکار نشد، جز هنگامی که قصد جدا شدن داشتند. (۱) ای پسر فضل! موضوع غیبت، سرّی است از اسرار خداوند و غیبی است از غیوب الهی. چون خدا را حکیم می‌دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی حکمت است اگر چه تفصیلهایش برای ما مجهول باشد. (۲)

۱. کشف: ۷۱ تا ۸۲.

۲. بحار: ج ۵۲، ص ۹۱ - علل الشرایع.

از این روایت استفاده می‌شود که تمام حکمت و فلسفه غیبت را کسی جز خود آنان نمی‌داند و آنچه در سایر روایات به عنوان حکمت و دلیل آمده است، علت اصلی و تمام العلة نیست، بلکه جزئی از علت است:

۱- امتحان و آزمایش مردم: در هر مرحله‌ای که در تاریخ صورت می‌گیرد، مرد از نامرد شناخته می‌شود. غیبت امام زمان علیه السلام نخواهد رسید تا زمانی که مردم غربال شده و افراد آلوده از افراد پاک و مخلص، شناخته شوند (۱).

۲- بیعت نکردن با سلاطین جور و ظالمان روزگار: حسن بن فضال از امام رضا علیه السلام سؤال کردند... چرا غائب می‌شوند؟ فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام نمود، بیعت احدی در گردنش نباشد. (۲)

۳- حفظ جان: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صاحب الامر غیبتی خواهد داشت. سوال شد: چرا یا رسول الله؟ فرمودند: برای حفظ جانش» (۳)

۴- استخلاص نطفه‌های اهل ایمان از اهل نفاق: که این مطلب را جناب محدث نوری رحمته الله علیه با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام

۲. بحار: ج ۵۱، ص ۱۵۲.

۱. بحار: ج ۵۱، ص ۱۱۳.

۳. بحار: ج ۵۱، ص ۹۰.

بیان کرده است. (۱)

شیخ طوسی رحمته الله علیه در کتاب «غیبت» با توجه به روایتی که از عبداللّه بن فضل نقل شد، گفته است که حکمت غیبت، خوف بر جان امام علیه السلام است و سایر موارد نمی تواند دلیل باشد، بلکه فایده غیبت هستند. (۲)

آنچه در اینجا باید اشاره شود، جوابی است که خود وجود مقدس امام زمان علیه السلام به سؤال اسحاق بن یعقوب داده است:

«در باره علت غیبت سؤال کرده بودید، خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾ (۳) (یعنی: ای اهل ایمان! از چیزهایی که جواب آنها را نمی توانید تحمل کنید و شما را ناراحت می کند، سؤال نکنید) بدانید که هر کدام از پدران و اجداد من بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را به گردن داشتند؛ ولی من وقتی قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردن کشان و طاغوت های زمان را به گردن ندارم. (۴)

استشهاد امام علیه السلام به آیه، اشاره به همان مطلبی دارد که بیان شد و آن، مقصر بودن خود مردم است و طرز بیان مطلب، ناراحتی امام زمان علیه السلام را از غیبتش می رساند و به ما می فهماند که به راستی «از

۱. نجم الثاقب: باب چهارم، چاپ جمکران، ص ۲۶۹.

۲. بدایة المعارف: ج ۲، عقیدتنا فی المهدی، ص ۱۴۸.

۳. مائده: ۱۰۱. ۴. غیبت شیخ طوسی رحمته الله علیه: ص ۱۷۶.

ماست که بر ماست»

و زیبا سروده است حافظ که:

اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد

گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست

و نیز:

گل مراد تو آنکه نقاب بگشاید

که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد

تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون

کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

و چه بسیارند کسانی که از سرای طبیعت خارج شده، به کوی

طریقت گذر کرده‌اند و با نشانیدن غبار راه که در اثر حرکات خود

عاشق بلند شده است جمال بی نقاب یار را دیده‌اند «طوبی لهم»

ای شکوفائی هر گل ز شکوفائی تو

نبود هیچ گلِ ناز به زیبائی تو

مهدی فاطمه ای مونس تنهائی من

اشک ریزم همه شب از غم تنهائی تو

بلبل فاطمه، لعل لب خود را بگشا

تا به گوشم رسد آن نغمه شیدائی تو

چه شود گر به گدا اذن تماشا بدهی
تا ببینم رُخ زیبا و تماشائی تو
قامت خم شده از هجر قد و قامت تو
همه هستی به فدای قد رعنائی تو

نه صبر به دل هست نه در سینه قرارم
بگذار چو آتش ز جگر شعله برآرم
گر زحمت افتد که نهی پای به چشمم
بگذار که من چشم به پایت بگذارم
حیف از تو عزیزی که منت یار بخوانم
لیکن چه کنم جز تو کسی یار ندارم
ای منتظر منتظران، یوسف زهرا
پاییز شده بی گل روی تو بهارم
خجالت کشم از دیده و از گریه عمرم
گر پیش تر از آمدنت جان بسپارم

﴿۴﴾

آیا خداوند نمی‌توانست او را در حضور، از دشمنان حفظ کند؟

در جواب به این سؤال، باید گفت که قدرت خداوند محدود نیست لیکن کارها را بر طبق اسباب و مجرای عادی انجام می‌دهد.

بنا نیست که خداوند برای حفظ وجود مقدس انبیاء و ائمه علیهم السلام و ترویج دین، از روش عمومی اسباب و علل دست بردارد و برخلاف جریان عادی عمل کند، وگرنه دنیا، دار تکلیف و اختیار و امتحان نخواهد بود.

﴿۵﴾

آیا امام غائب، فائده‌ای دارد؟

امروزه بعضی‌ها فایده وجود امام علیه السلام را در پاسخ دادن مستقیم به مخالفین و حمایت بی‌واسطه از مظلومین و اجرای حدود و احکام الهی در جامعه می‌دانند و گمان می‌کنند چون امام زمان علیه السلام غائب هستند، دیگر سودی ندارند!!!

در جواب باید گفت که اولاً: طبق دلایل عقلی و نقلی که در بحث امامت شده است، صرف وجود مقدس امام علیه السلام لطف است و وجود جهان، بسته به وجود حجّت در روی زمین است و فایده‌ای بالاتر از هستی‌بخشی و وساطت فیض نیست.

امام، غایت نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه عالم مادی با عالم ربوبی است اگر امام نباشد، خدا به حد کامل شناخته و عبادت نمی‌شود. وجود امام علیه السلام امان مردم روی زمین است همچنانکه ستارگان، امان اهل آسمان هستند. (۱)

۱. غیبت شیخ طوسی رحمته الله علیه: ص ۱۷۶.

در روایات، وجود مقدس امام غائب علیه السلام تشبیه به خورشید پشت ابر شده است که شائزده وجه شباهت ذکر کرده اند که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱- فوایدی که مردم از خورشید می برند اگرچه پشت ابرها باشد به اندازه ای است که هیچ کس نمی تواند منکر آن باشد و بگوید به این علت که خورشید، پشت ابر مانده است هیچ اثری ندارد. حال آنکه بزرگترین ثمره خورشید، گرما و نور آن و به عبارت دیگر ممانعت از نابودی حیات روی این کره خاکی است و دوره های یخبندان در اثر عدم انتفاع از نور خورشید بوده است.

۲- گاهی پنهان بودن خورشید در میان ابرها بنا به مصالحی از آشکار بودنش بهتر است.

۳- شعاع خورشید به اندازه نبود موانع در خانه ها می تابد. نور وجود مقدس امام علیه السلام نیز به اندازه استفاده انسان ها بر قلب آنها می تابد.

۴- همانطور که مردم منتظرند که خورشید از پشت ابر بیرون بیاید چنین تعبیری اشاره به مسأله انتظار و ظهور خورشید آسمان هدایت دارد.

۵- کسانی که منکر وجود خورشید پشت ابر هستند استدلالشان به بادی بند است که ابرها را حرکت دهد. منکران وجود امام علیه السلام نیز تمام صغری و کبراهایشان به نسیمی که از ناحیه خداوند عز و جل اذن خروج دهد، از هم خواهد پاشید. ان شاء الله

علاوه بر اینها طبق برخی روایات، اگرچه امام عصر علیه السلام در نهایت خفا و پنهانی زندگی می‌کند، ولی با بصیرت و بینایی کامل در حل و فصل امور ضروری مردم و دفاع از حوزه مقدسه اسلام کوشش می‌نماید و از مشکلات مسلمین گره‌گشایی می‌کند. از گرفتاران دادرسی می‌نماید و تشکیلاتی را که زیان‌بخش تشخیص می‌دهد، برهم می‌زند و مقدمات تأسیس اجتماعات ضروری و سودمند را فراهم می‌کند. از طرف گنهکاران استغفار می‌نماید و دعای خیر او راه‌گشای بسیاری از پیروانش است.

از داستانهای زیادی معلوم می‌شود که امام زمان علیه السلام دخالت مستقیم در بسیاری از امور مهم دارند و هر جا لازم باشد به یاری شیعیان خویش می‌شتابند. به عنوان مثال در جریان اناری که توسط وزیر سنی بر علیه شیعیان طرح ریزی شده بود تنها کسی که گره از کار آنان باز کرد وجود مقدس صاحب‌الامر علیه السلام بود و در جریان انقلاب و دفاع مقدس نیز امداد و یاری امام زمان علیه السلام روشن‌تر از آن است که بشود انکار کرد. مطالبی را در این خصوص نقل کرده‌اند که به نمونه‌ای اشاره می‌شود:

مرحوم حجه الاسلام سید محمد کوثری نقل کردند: یک روز من منزل آقای فاضل لنکرانی از استادان حوزه علمیه قم بودم و یکی از فضیلاتی مشهود هم آنجا بودند. ایشان به نقل از یکی از دوستانشان تعریف کردند که: در نجف اشرف در خدمت امام بودیم و صحبت از ایران به میان آمد، من گفتم این چه

فرمایش‌هایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می‌فرمایید؟! یک مستأجر را نمی‌شود از خانه بیرون کرد، آن وقت شما می‌خواهید شاه مملکت را بیرون کنید؟!!

امام سکوت کردند. من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده‌اند. سختم را تکرار کردم. امام بر آشفتند و فرمودند: فلانی! چه می‌گویی؟ مگر حضرت بقیة‌الله، امام زمان صلوات‌الله علیه به من (نستجیر بالله) خلاف می‌فرمایند، شاه باید برود. (۱) نظیر همین مطلب در باره شکستن حکومت نظامی در زمان طاغوت نقل شده است.

عمرم تمام گشت زهجران روی تو
 ترسم شها به خاک برم آرزوی تو
 با آنکه روی ماه تو از دیده شد نهان
 عشاق را همیشه بُود دیده سوی تو
 خورشید چهره ات چونهان شد زچشم خلق
 شد روزشان سیاه از این غم چو موی تو
 تا کی ز هجر روی تو سوزیم همچو شمع
 شبها زیاد روی تو و گفتگوی تو

بیانی نو درباره «خورشید پشت لبر»

مفاهیمی همچون «زیر»، «بالا»، «جلو» و «پشت» را مفاهیم

اضافی می‌گویند. یعنی نسبت به چیزی و با در نظر گرفتن مکانی، معنا پیدا می‌کنند. آنچه از معنای «پشت» ظاهر است این است که اگر کسی مثلاً به پرده‌ای نزدیک باشد، به او می‌گویند پشت پرده است. نه اینکه کسی نیم‌متر پشت پرده باشد و دیگری ۱۰۰ متر از آن فاصله داشته باشد، اگر چه نسبت به هم در پشت پرده‌اند ولی در عرف به آن شخصی که نزدیک است می‌گویند که پشت پرده است. سؤال می‌شود که آیا ابر به خورشید نزدیک است یا به زمین؟ آنچه معلوم و مسلم است این است که فاصله زمین به ابر خیلی کمتر از فاصله خورشید نسبت به ابر است. با عنایت به این مطلب است که می‌شود گفت که خورشید در واقع، پشت ابر نیست بلکه این زمین است که پشت ابر است و مطلب عجیب‌تر آنکه آیا ابر از خورشید برخاسته است یا از زمین؟ بله، بر اثر تابش خورشید است ولی این تبخیر، به خاطر کم ظرفیت بودن زمین و ناتوان بودن اجزاء آن یعنی آب است. لذا می‌توان گفت که اینکه به خاطر وجود ابر، زمین از تابش خورشید کمتر بهره می‌برد، تقصیر خود زمین است و چه زیباست این شعر حافظ که:

میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

و چه زیبا سروده است فیض کاشانی رحمته الله علیه:

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رُخم عیان است

خود حضرت امام زمان علیه السلام نیز در توقیعی چنین فرموده‌اند: استفاده و بهره‌وری از وجود من در زمان غیبت کبری همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است. آگاه باشید که وجود من، موجب بقای کره زمین و امان برای همه مخلوقات است همچنان که ستارگان موجب امان اهل آسمانند. (۱)

ثانیاً: وقتی که ظلم و ستم تمام دنیا را فراگیرد و مظلومان و مستضعفان پناهگاهی جز منجی واقعی نداشته باشند، اگر کسی قائل و معتقد به غیبت باشد و منتظر ظهور، همین انتظار مایه امیدواری و آرامش دلهای آنان است و می‌توان گفت در چنین دنیایی که سایه تاریک یأس و ناامیدی بر دلها خیمه زده است، تنها نوری که یأس را به امید تبدیل می‌کند، مفهوم انتظار است. ایمان به منجی غائب، مرهم زخم‌های مظلومان است. استمداد از این مسأله، انسان را از سقوط در وادی هولناک یأس نجات می‌دهد و چه ثمری بالاتر از این.

مفهوم غیبت و انتظار، انسان را به فکر و امید می‌دارد که چرا ما لیاقت ظهور امام علیه السلام را نداریم و در نتیجه، این فکر ما را به تفکر درباره اعمال و کردارمان سوق می‌دهد و به سوی مراتب واقعی انسانیت رهنمون می‌سازد و به همین دلیل است که در احادیث،

۱. الغیبة شیخ طوسی رحمته الله: ص ۱۷۶.

انتظار فرج از بهترین عبادات شمرده شده است^(۱) که بیان خواهد شد.

به عبارت دیگر اینجا با سه عنوان روبرو هستیم:

۱- وجود ۲- حضور ۳- ظهور

وجود امام علیه السلام که لطف الهی است بر بندگان. لطف الهی آن است که برنامه‌ای کامل و قوانینی جامع در اختیار بشر قرار دهد که سعادت انسان را تضمین نمایند. و مادامی که نوع انسان باقی است باید راه تکامل انسانیت نیز باز و ارتباطی بین عالم غیب و نوع انسان برقرار باشد.

باید فرد کاملی در بین بشر موجود باشد که تمام کمالات ممکنه انسانیت در او به فعلیت و تحقق رسیده و به تمام اخلاق و صفات نیک، آراسته باشد. چنین شخصی امام است. لازمه نبودن چنین شخصی آن است که حرکت استکمالی افراد، هدفمند نباشد و بی هدف، همیشه رو به انقراض است.^(۲)

آری، امام علیه السلام حیات بخش است و چه ثمری بالاتر از حیات روح و جسم. و به درستی که «لَوْلَا الْحِجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^(۳) اگر حجّت الهی در زمین نباشد، زمین اهلش را فرو می برد و وجود

۱. بحار: ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. بررسی مسائل کلی امامت: ص ۱۳۴.

۳. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۳۲.

این انسان کامل است که واسطه فیض الهی است و نوع بشر را از انقراض و انحطاط رهایی می بخشد.

کدام انسان با انصافی است که منکر فوائد وجود امام علیه السلام باشد. عنوان دوّم، حضور است. اعتقاد به این مطلب که امام علیه السلام حاضر و ناظرند و اعمال ما را می بینند. علم اوّلین و آخرین به آنها داده شده است^(۱) و چیزی از اعمال ما بر آنها پوشیده نیست و ما در شرق عالم باشیم یا در غیر آن، احوال و افکارمان بر آنان مخفی نمی شود^(۲) و چه سازنده است چنین اعتقادی! اگر غفلت بر ما عارض نشود همین عقیده برای اصلاح ما کافی است. تاریخ، مردمان زیادی را در خود ثبت نموده است که با اینکه فرسنگها از امام علیه السلام دور بوده اند ولی با همین اعتقاد که امام علیه السلام حاضر و ناظر و عالم به باطن و اعمال ما هستند، موجبات رضایت آن حضرت را فراهم کرده اند و برعکس، کسانی نیز بوده اند که با آنکه زانو به زانوی ائمه هدی علیهم السلام می نشستند، هیچ فیضی از منبع نورانی آنان کسب نکرده اند و حتی در سدد مبارزه با آنان برآمده اند.

توجه به حضور امام علیه السلام را می توان از بهترین راههای پرهیز از گناه دانست و شیطان نیز قبل از هر کاری این حضور را از یاد ما می برد و به دنبال این غفلت است که گناهی سر می زند و هر قدر این درک حضور تقویت شود، انسان محفوظتر و مأمونتر است و هر

۱. بحار: ج ۲۶، ص ۲۷.

۲. بحار: ج ۲۶، ص ۱۴۰.

قدر تضعیف شود، مصونیت او کمتر است. زمانی زمينه ظهور حضرت فراهم است که ما غافل از حضور نشویم و گرنه ظاهری که حاضر و ناظرش ندانیم برای ما ثمربخش تام و کاملی نخواهد بود. عنوان سوّم، ظهور است. آنگاه که پرده غیبت دریده می شود و خورشید عالم تاب امام علیه السلام بر قلبها، نور هدایت می تاباند. عقلها کامل می شود و زمام امور در دست الهی امام زمان علیه السلام می افتد. ریشه ظلم کننده شده و جهان پر از عدل و داد می گردد. تشنگان هدایت از سرچشمه جوشان وحی، سیراب گشته و شیاطین ظلم و جور و تباهی و عناد، به غل و زنجیر کشیده می شوند و زحمات انبیاء و ائمه علیهم السلام به ثمر می نشیند و میوه شیرین عبودیت خداوند کام دل به اهل هدایت می دهد و مستضعفان، وارثان زمین می شوند. آنان کسانی هستند که حاضر و ناظر بودن امام علیه السلام فراموش نکرده و نمی کنند و از قبل، خود را برای چنین زمانی آماده کرده بودند. و نمی شود که با نبودن ظهور، وجود و حضور را نادیده گرفت. حضرت آیت الله العظمی بهجت (حفظه الله) می فرمودند: لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت ولی عصر علیه السلام تشرّف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز، سپس توسل به ائمه علیهم السلام بهتر از تشرّف باشد؛ زیرا هر کجا که باشیم آن حضرت می بیند و می شنود. (۱)

۱. در محضر بهجت: کتاب اول، ص ۱۸۷.

(اللهم عجل لوليک الفرج و اجعلنا من انصاره و اعوانه)

﴿۶﴾

مکان امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کجاست؟

قبل از اینکه پاسخ این سؤال و دو سؤال بعدی را بخوانید بهتر است بدانید که پوشیده ماندن این نقاط و بی جواب ماندن این سؤالات، در موضوع غیبت امام زمان علیه السلام شک و شبهه‌ای ایجاد نمی‌کند همانطور که معلوم بودن آنها در اثبات اصل غیبت و مسائل مهم‌تر هیچ نقشی ندارد و علاوه بر آن مخفی بودن این مسائل، جزئی از غیبت آن حضرت است و اگر قرار بود مکان حضرت دقیقاً مشخص شود که دیگر غیبت تامه نبود. اما در جواب مختصری باید گفت که آن حضرت برای انجام وظایف و کارهای خویش به مسافرت می‌روند و حتی در روایتی آمده است که آن حضرت بین مردم تردد می‌نمایند و در بازار راه می‌روند و بر فرش مردم قدم می‌گذارند ولی مردم او را نمی‌شناسند و به همین وضع تا زمان ظهور ادامه می‌دهد. ^(۱) در روایتی نیز آمده است که آن حضرت در اعمال حج شرکت می‌کنند و او مردم را می‌شناسد اما مردم او را نمی‌شناسند ^(۲) همچنانکه حضرت یوسف علیه السلام برادرانش را

۲. بحار: ج ۵۲، ص ۱۵۲.

۱. بحار: ج ۵۲، ص ۱۵۴.

می شناخت ولی آنها او را نمی شناختند^(۱) البته در روایات که بسیاری از آنها از جهت سند مخدوش است مکانهایی نام برده شده است:

- ۱ - سرزمین های دوردست^(۲)
- ۲ - مدینه طیبه^(۳)
- ۳ - دشت حجاز^(۴)
- ۴ - کوه رَضوی که کوهی در نزدیکی مکه است^(۵)
- ۵ - بلد مهدی عجل الله فرجه^(۶)
- ۶ - بیت الحمد^(۷)
- ۷ - جزایر مبارکه^(۸)
- ۸ - جزیره خضراء

﴿۷﴾

آیا جریان جزیره خضراء صحت دارد؟

۱. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۳۲.
۲. احتجاج طبرسی قدس سره: ص ۴۹۷.
۳. الغیبة شیخ طوسی قدس سره: ص ۱۳۹ - بحار: ج ۵۲، ص ۱۵۷.
۴. کمال الدین شیخ صدوق قدس سره: ص ۴۴۷.
۵. بحار: ج ۵۲، ص ۱۵۳.
۶. العبقری الحسان: ج ۱، ص ۵۸.
۷. الغیبة نعمانی: ص ۱۲۶.
۸. حدیقة الشیعة: ص ۷۶۵ - نجم الثاقب: ص ۲۱۷ - اثبات الهداة: ج ۳، ص

قبل از پرداختن به این سؤال نیز لازم دیدم تذکری دهم که امید است مفید واقع شود. باید دانست که فهم این مسائل از پایین ترین درجه اهمیت برخوردار است و متأسفانه به علت نوعی جذابیت خاص، گاهی اذهان را از اصل مسأله غیبت و انتظار و ظهور دور می‌کند. خداوند در قرآن کریم بیش از ۱۳۰ مورد از حضرت موسی علیه السلام و داستان‌های او یاد می‌کند. در هیچ یک از آنها صحبتی از محل تولد یا ازدواج و زندگی شخصی او نیست. اگر قرار بود محور آن آیات، امور جزئی زندگی او باشد اصل مسأله که هدایت نوع بشر و استفاده‌های هدایتی از تاریخ است تحت الشعاع مسائل جزئی می‌شد. لذا عزیزان خواننده را از غوطه‌ور شدن و پیگیری جواب این سؤالات نهی نموده و به اکتفا به همین چند سطر توصیه می‌نمایم.

علمای بزرگ درباره صحت داستان جزیره خضراء اختلاف دارند. و تعدادی از آنها آن را درست می‌دانند ولی به نظر تعداد کثیری از محققین و متبیین، این داستان در هیچ کتاب معتبری نقل نشده است و از جهت سند و دلالت بسیار مخدوش است. به نظر آنان داستان مذکور اعتباری ندارد و شبیه افسانه و رمان است.

زیرا: **اولاً:** سند معتبر و قابل اعتمادی ندارد.

ثانیاً: در متن داستان تناقضاتی دیده می‌شود.

ثالثاً: در آن به تحریف قرآن تصریح شده است که قابل قبول

نیست و مورد انکار شدید علما می‌باشد.

رابعاً: بعضی از مسائل فقهی که از نظر فقها مردود است، در آن مورد تأیید قرار گرفته است.

علامه محقق، سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب «جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟!» این روایت را با دقت تحلیل کرده و تناقضاتی در آن پیدا نموده و بر غیر واقعی بودن آن، استدلال کرده است و می‌توان چنین گفت که حرف آخر را در این باره زده‌اند.

﴿۸﴾

آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزند دارند؟

در مورد اینکه آیا حضرت بقیه الله علیه السلام در غیبت کبری همسر و فرزندی دارد یا نه، دلیل قطعی جازم بر وجود یا عدم آن نداریم. تنها چیزی که هست شواهد و قرائنی است که بر وجود همسر و فرزند برای آن حضرت اشاره می‌کنند:

۱- قواعد کلی عقلی و شرعی

۲- روایات

۳- ادعیه

۱- قواعد کلی: از سنت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در میان

مسلمین رایج است و ترغیب‌ها و تشویق‌های فراوانی در روایات نسبت به آن صورت پذیرفته است، ازدواج است و سزاوارترین کسی که اخذ به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کند امام هر عصر است و

بزرگانی چون میرزای نوری رحمته الله علیه و مرحوم نهاوندی رحمته الله علیه با همین مطلب، تناکح و تناسل حضرت را اثبات کرده‌اند و حتی مرحوم محدث نوری رحمته الله علیه ردّ این مطلب را از قَلت و کمی اطلاع می‌داند. (۱)

۲ - روایات: در مورد اولاد آن حضرت روایاتی است که دربارهٔ وجود آنها صحبت می‌کند:

۱ - سید بن طاووس رحمته الله علیه در «جمال الاسبوع» می‌فرماید: روایتی را با سندهای متصل یافتیم که حضرت ولی عصر علیه السلام اولاد زیادی دارند.

۲ - روایتی از امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: «در زمان غیبت کبری کسی حتی فرزندانش جایگاه او را نمی‌دانند. به جز کسی که متصدی امور اوست». (۲)

۳ - در کتاب «مزار» محمد بن مشهدی روایتی را از امام صادق علیه السلام آورده که: «گویا می‌بینم نزول قائم را در مسجد سهله با اهل و عیالش». (۳)

۴ - مرحوم شیخ حر عاملی رحمته الله علیه، در کتاب «الایقاظ من الهجعة» بابی را به بحث از دولت فرزندان حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده است.

روایات دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که مرحوم محدث

۱. نجم الثاقب: چاپ جمکران، ص ۴۰۳ - العبقری الحسان: ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. غیبت شیخ طوسی رحمته الله علیه: ص ۱۰۳ - بحار: ج ۵۲، ص ۱۵۳.

۳. نجم الثاقب: چاپ جمکران، ص ۴۰۶.

نوری علیه السلام در کتاب «نجم الثاقب» باب هفتم بیان کرده است. در برابر روایات یاد شده، فقط یک روایت داریم که ظاهرش با آنها سازگار نیست و آن روایتی است که می‌گوید: «هر امامی باید فرزند داشته باشد، به جز مهدی که فرزند ندارد». (۱)

میرزای نوری علیه السلام می‌فرماید: ظاهر این است که مراد از نداشتن فرزند، فرزند امام است. یعنی فرزندی که امام بعد از او باشد وجود ندارد.

۳- ادعیه: در ضمن دعاهاى بسيارى كه از پيشوايان معصوم علیهم السلام و يا از ناحیه مقدسه صادر شده است كه در زمان غیبت در ایام یا اماکن خاصی خوانده شود، از اولاد و اهل بیت حضرت ولی عصر علیه السلام سخن به میان آمده و در حق آنها دعا شده و بر آنها درود و سلام فرستاده شده است:

۱- آخرین فراز از صلواتی که از ناحیه مقدسه صادر شده است «وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِهِ وَالأئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ...» (۲)

۲- در دعای ورود سرداب مقدس هم آمده است:

«وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ وَالأئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ...» (۳)

۱. غیبت شیخ طوسی علیه السلام: ص ۱۳۴.

۲. غیبت شیخ طوسی علیه السلام: ص ۱۷۰- مصباح کفعمی: ص ۵۴۸- جمال

الاسبوع: ص ۵۰۴- بحار: ج ۵۲، ص ۲۲.

۳. بحار: ج ۱۰۲، ص ۱۱۴- مصباح الزائر: ص ۲۳۷.

۳ - در زیارت مخصوصه حضرت ولی عصر علیه السلام که روزهای جمعه خوانده می شود، شبیه همان آمده است. (۱)

۴ - در دعایی که امام رضا علیه السلام تعلیم فرموده که در عصر غیبت خوانده شود، چنین آمده است:

«اللهم أعطه في نفسه و اهله و وُلديه و امته...» (۲)

۵ - شبیه همین عبارت در وداع زیارت سرداب مقدس وارد شده است. (۳)

البته این ادعیه بیشتر از آن است که ما بتوانیم تماماً نقل کنیم و مفصل آن در کتاب نجم الثاقب آمده است.

این روایات و دعاها اشعار دارند که حضرت بقیة الله علیه السلام در عهد غیبت فرزندان دارند که از اخیار و ابرار هستند.

جناب محدث نوری رحمته الله منشأ انکار فرزندان حضرت را کمی اطلاع دانسته و گفته است: «مجرد معلوم نبودن اولاد و عیال برای حضرت حجة علیه السلام و عدم اطلاع بر آن دلیل بر نبودن نیست. (۴)

در اخبار بسیاری اشاره به اولاد او شده است ولی همانطور که گفتیم، این دلایل نمی توانند محصل قطع باشند و قائلین به این قول

۱. بحار: ج ۱۰۲، ص ۲۲۸.

۲. بحار: ج ۹۵، ص ۳۳۲ - مصباح کفعمی: ص ۵۵۰ - جمال الاسبوع: ص

۵۱۰. ۳. مصباح الزائر: ص ۲۳۶.

۴. نجم الثاقب: ص ۴۰۳.

شاید نتوانند بر این امر که امام زمان علیه السلام اکنون دارای همسر و فرزند هستند دلیل بیاورند. چرا که اولاً: شاید این امر بعداً محقق شود و ثانیاً: شاید آن حضرت ازدواج کرده باشند ولی اولاد و همسر آن حضرت، عمری همانند سایر مردم داشته باشند و عقلاً و نقلاً هم نمی شود ثابت کرد که طول عمر آنان نیز همانند حضرت باشد. با ظهور این احتمالات و امثال آنها، استدلالات، باطل می شوند. و فقط خداوند بر همه چیز آگاه است.

﴿۹﴾

آیا طول عمر امام زمان علیه السلام توجیه پذیر است؟

در پاسخ به این سؤال، از دو مطلب صحبت می شود: یکی «امکان» و دیگری «وقوع».

امکان یا عملی است یا علمی یا منطقی.

امکان عملی آن است که امری آن قدر عادی شود که هر کسی عادتاً قابلیت آن را داشته باشد. مثلاً با پیشرفت های علمی، سفر به ماه، ممکن عملی است. امکان علمی هم آن است که از لحاظ علمی، محال نباشد. اگرچه در عالم خارج موجود نباشد. مثلاً رفتن به خورشید امکان علمی ندارد، ولی مثلاً مسأله شبیه سازی ممکن علمی است. امکان منطقی نیز آن است که مانعی برای تصور وقوع امری، پیدا نشود. مثلاً سه درهم را نمی شود بین دو نفر به صورت مساوی تقسیم کرد، بدون آنکه تغییری در یکی از درهم ها بدهیم.

زیرا، سه فرد است و قابلیت تقسیم به زوج را ندارد. حال به مسأله طول عمر برمی‌گردیم و می‌بینیم که طول عمر بشر، هم امکان عملی دارد و هم علمی و منطقی. زیرا که عقل مانعی در این نمی‌بیند تا امر به محال بودن کند. از لحاظ علمی هم امروزه متخصصین علم ژنتیک، در آزمایش‌های خود به این نتیجه دست یافته‌اند که سلولهای جسم انسان اگر در شرایط مناسب و با مواظبت‌های بهتری نگهداری شوند، عمرشان بسیار طولانی‌تر خواهد بود و اثرات پیری در آنها دیده نمی‌شود.

علاوه بر این مطالب، گفته می‌شود که بهترین دلیل بر امکان یک چیز، وقوع آن در عالم خارج است.

تاریخ، نمونه‌های فراوانی از افرادی که عمر طولانی داشتند، در خود ثبت کرده است. به عنوان مثال بنا بر نص صریح قرآن، حضرت نوح علیه السلام مدت ۹۵۰ سال، بین قومش تبلیغ دین کرد^(۱) و بعضی از مورخین عمرش را تا ۲۵۰۰ سال نوشته‌اند و این افراد که در تاریخ به «معمّرین» معروف هستند به قدری زیادند که با دیدن آنها، هیچ شبهه‌ای برای کسی که انصاف داشته باشد، باقی نمی‌ماند. برای تحقیق بیشتر درباره آن افراد به کتاب «المعمّرون و الوصایا» تألیف ابی حاتم سجستانی و کتاب «الآثار الباقیة» تألیف ابوریحان بیرونی مراجعه شود.

علاوه بر اینها نیز روایات زیادی درباره طول عمر امام زمان علیه السلام و طولانی شدن غیبت آن حضرت، از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده است ^(۱) به دلیل روشنی مطلب، به همین مقدار کفایت کرده و به کتب مفصل تر ارجاع می دهیم. ^(۲)

﴿ ۱۰ ﴾

احادیثی که قیام را در زمان غیبت امام زمان علیه السلام منع کرده‌اند چگونه با بعضی قیام‌ها مانند انقلاب اسلامی ایران سازگارند؟

پاسخ این سؤال مجال زیادی می‌طلبد و از خلاصه مباحثی که در کتب مفصل بیان شده است، چنین به دست می‌آید که: اکثر احادیث این بخش، ضعیف و غیرقابل اعتماد هستند و نمی‌توان به آنها تمسک جست. به علاوه، احادیث مذکور از چند قسم خارج نیستند و مفاد آنها چنین است:

۱ - هر کس که قیام کرد و شما را به یاری طلبید، بدون تأمل دعوتش را اجابت نکنید. بلکه شخص دعوت کننده و هدف قیام را بررسی کنید.

۱. بحار: ج ۵۱، ص ۱۰۹ و ۱۳۲.

۲. نجم الثاقب: باب هفتم، حکایت صدم - مهدی موعود: باب نوزدهم - بدایة

المعارف: ج ۲، عقیدتنا فی المهدی (عج)

۲- در برابر اصرار شیعیان که از امام علیه السلام دعوت به قیام می کردند از یک واقعیت خارجی خبر می دهد که هر یک از ائمه علیهم السلام که قبل از قیام قائم آل محمد علیه السلام قیام کند با شکست مواجه می گردد و کشته می شود. چون اسباب و مقدمات قیام جهانی فراهم نشده است.

۳- قیام حضرت مهدی علیه السلام علائم و نشانه های مخصوصی دارد و قبل از وقوع آن علائم دعوت کسانی را که به عنوان مهدی قیام می کنند اجابت نکنید.

۴- برای سرنگون ساختن هر حکومتی تهیه اسباب و مقدمات لازم، ضرورت دارد. قبل از آماده کردن اسباب و مقدمات، در قیام و نهضت عجله نکنید و گرنه با شکست مواجه خواهید شد.

۵- هر پرچمی که قبل از قیام قائم در برابر حاکمیت الله برافراشته شود صاحبش طاغوت می باشد که به حریم حاکمیت الله تجاوز نموده و نباید دعوتش را اجابت کرد.

اما اگر رهبر قیام، نه به عنوان مهدویت و نه به منظور تأسیس حکومتی در برابر حاکمیت الله بلکه به منظور دفاع از اسلام و قرآن و مبارزه با ظلم و استکبار و به قصد تأسیس حکومت عدل الهی و اجرای کامل قوانین آسمانی قیام کرد و اسباب و مقدمات نهضت را نیز پیش بینی نمود و مردم را به یاری طلبید، روایات مذکور چنین نهضت و انقلابی را مردود نمی شمارد. بلکه هم عقل و هم ادله نقلی مانند ادله امر به معروف و نهی از منکر، تشکیل چنین حکومتهایی را واجب می داند تا زمینه برای پیشرفت اسلام و مسلمین و پیاده

شدن هر چه بهتر احکام نورانی اسلام فراهم شود و تأسیس چنین حکومتی در برابر الله نیست بلکه به منظور تحقق حاکمیت الله و در مسیر حکومت جهانی امام عصر علیه السلام و زمینه ساز قیام آن حضرت است. پس این روایات علاوه بر آنکه سنداً ضعیف هستند از جهت دلالت هم، چنین نهضت‌هایی را منع نمی‌کنند. (۱)

﴿ ۱۱ ﴾

وظیفه ما در زمان غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام چیست؟

مهم‌ترین مسأله‌ای که انسان باید سعی تمام در آن نماید، عمل به وظیفه است.

خداوند تبارک و تعالی فلسفه آفرینش انسان را عبادت الهی بیان کرده و فرموده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (۲) و عبادت الهی تنها این نیست که انسان نماز بخواند و روزه بگیرد. بلکه معنای وسیعی دارد که شامل هر نوع عمل به وظیفه می‌شود و بدیهی است که انسان تا زمانی که نداند وظیفه‌اش چیست نمی‌تواند به آن جامه عمل بپوشاند. پرداخت حقوق صاحبان حق، زمانی میسر است که انسان بداند چه چیزی به چه کسی بدهکار

۲. ذاریات: ۵۶.

۱. دادگستر جهان: ص ۲۵۵.

است. بعد از خداوند متعال، انبیاء و ائمه علیهم السلام بزرگترین صاحبان حقوق می‌باشند و حتی رضایت خداوند از بندگان، منوط به رضایت آن بزرگواران است. امام صادق علیه السلام در روایتی چنین فرموده‌اند: «همانا واجب‌ترین واجبات، شناخت پروردگار و اقرار (زبانی و عملی) به بندگی اوست و بعد از آن، شناخت فرستاده خدا و گواهی به پیامبری او و بعد از آن شناختن امام علیه السلام است.»^(۱)

حضرت آیت الله العظمی بهجت (حفظه الله) دو مرحله را در اعتقاد به امامت ائمه علیهم السلام لازم می‌داند: «مرحله اول در اعتقاد به امامت ائمه علیهم السلام، التزام قلبی به وصایت و خلافت ائمه اطهار علیهم السلام و سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنها به نامهایشان و نام پدران بزرگوارشان و مرجعیت ایشان است و مرحله بعد، التزام عملی به متابعت از آنان است، نه اینکه نماز بخوانیم و آنها و امامت آنان را قبول نداشته باشیم... وای بر کسانی که مدعی قرب به خدا هستند اما ولی او را نمی‌شناسند»^(۲) ایشان می‌فرمایند: «در باره معرفت و اعتقاد به امام علیه السلام أدنی المَعْرِفَة (کمترین حد شناخت) کافی است و آن این است که معتقد باشیم که او امام مُفْتَرَضُ الطَّاعَة (واجب الطاعة) و وصی پیغمبر صلی الله علیه و آله است. خدا کند آنچه را که از ما

۱. مکیال المکارم: ج ۲، بخش هشتم، ص ۱۵۲ - تفسیر البرهان: ج ۲، ص ۳۴.

۲. در محضر بهجت: کتاب اول، ص ۵۷.

می خواهند انجام دهیم و آنچه را که می خواهند انجام ندهیم، انجام ندهیم. باید خشنودی امام زمان علیه السلام میزان عمل ما باشد و نوکرهای امام زمان علیه السلام باید عمل به وظیفه کنند». (۱) آری مهم این است که انسان بتواند امام خویش را راضی کند. برای نیل به این مهم، وظایفی را که در عصر غیبت، نسبت به امام زمان علیه السلام برشمرده اند بیان می کنیم و از خداوند توفیق عمل به وظایف را خواهیم:

۱ - حفظ اعتقاد به ائمه علیهم السلام و به خصوص مسأله

غیبت امام زمان علیه السلام

در روایات آمده است که غیبت آن حضرت آن قدر طولانی می شود که عده ای از مؤمنین از عقیده خود برمی گردند و توصیه شده است که در زمان غیبت، شیعیان مواظب دین خویش باشند. (۲) شیخ صدوق رحمته الله در «کمال الدین و تمام النعمة» روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: «زمانی بر مردم خواهد گذشت که امام آنها از نظرشان غائب گردد و خوش به حال آنان که در آن زمان در عقیده خود ثابت می مانند».

در همان کتاب از زراره روایتی نقل شده است که از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: اگر من زمان غیبت را درک کنم چه کاری را انجام دهم؟ حضرت جواب دادند: پیوسته این دعا را بخوان:

۲. بحار: ج ۵۱، ص ۱۱۳.

۱. همان: ص ۶۲.

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ
 اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ
 اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

یعنی: پروردگارا! خود را به من بشناسان که اگر خود را به من
 شناسانی نمی توانم پیغمبرت را بشناسم. پروردگارا! پیغمبرت را
 به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من شناسانی، نمی توانم
 حجت تو را بشناسم. پروردگارا! حجت خود را بر من بشناسان که
 اگر حجت خود را بر من شناسانی از دینم گمراه می شوم.

آری، حفظ اعتقاد به ائمه علیهم السلام در زمان غیبت آن قدر مهم است که
 امام صادق علیه السلام فرموده اند: در زمان غیبت، دعای غریق بخوانید.
 یعنی بگویید: یا الله یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي
 عَلَي دِينِكَ. یعنی ای خداوند رحمان و رحیم و ای کسی که بر قلبها
 حکومت کرده و آنها را برمی گردانی، قلب مرا بر دین خودت ثابت
 نگهدار. (۱)

در روایتی از سدید صیرفی چنین آمده است که امام صادق علیه السلام را
 در حالی که روی خاک نشسته و لباس مصیبت زدگان را بر تن کرده و
 از شدت ناراحتی مانند زنی که عزیزش را از دست داده بود گریه
 می کرد مشاهده کردم. علت گریه را جویا شدم و حضرت چنین

۱. مهدی موعود: باب بیست و پنجم، ص ۹۲۵.

فرمودند: در کتابی که مشتمل بر علم منایا و بلایا است نگاه کردم و آنجا ولادت حضرت صاحب الامر علیه السلام و غیبت آن حضرت و طول عمر و درازی غیبت و ابتلای مؤمنان را دیده و دانستم در آن زمان، شک و شبهه در دل مردم از جهت طول غیبت زیاد شده و اکثر مردم مرتد می شوند و ریسمان الهی را از گردن خود خارج می سازند. (۱)

لذا است که مهم ترین وظیفه، حفظ اعتقاد به امامت و غیبت امام زمان علیه السلام می باشد و این مهم با استمداد از خداوند متعال و حضرات معصومین علیهم السلام و به خصوص از خود امام زمان علیه السلام و مطالعه هر چه بیشتر در این زمینه، به دست خواهد آمد. ان شاء الله.

۲- به دنبال این اعتقاد و محبت است که انسان در غیبت امام زمان خویش، مهموم و غمبار است. آری کسی که خود را عاشق و دوستدار بداند، باید از هجران معشوق خویش بنالد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت پنج دسته را شمردند که نمی خوابند و محبی که مترقب و چشم به راه و دل نگران مفارقت و جدایی جیب خویش است از این پنج مورد می باشد. (۲)

۱. نجم الثاقب: باب دهم، ص ۷۴۶ (چاپ جمکران)

۲. خصال: باب الخمسة، الحدیث ۶۴.

به راستی اگر انسان جرعه‌ای از شربت گوارای محبت امام زمان علیه السلام را چشیده و عشق آن حضرت را در رگ‌های وجود خویش به حرکت درآورده باشد با چنین فراقی، گویی غم‌های عالم بر دل او جمع شده و لذت خواب و غذا از او گرفته می‌شود اینجاست که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«هر کس که به خاطر ظلمی که به ما شده مهموم و غمگین شود، نفس کشیدنش تسبیح و همّ او عبادت است و رازداری‌ما، جهاد در راه خداست» (۱).

شمه‌ای از همین عشق است که خواب را از چشمان مردم گرفته و آنها را صبح هر جمعه بر سر سفره دعای ندبه جمع می‌کند و اشک آنان را در هجران و غیبت امام زمان علیه السلام جاری می‌سازد. خوشا به حال کسانی که پیوسته در غیاب یار خویش، محزون و بی‌قرارند.

۳- انتظار فرج و ظهور: انتظار، در لغت به معنای تأمل و درنگ است و دیده‌بانی و نگهبانی. یعنی از معنای لغوی انتظار، نوعی دست روی دست گذاشتن ظاهر می‌شود و همین امر بعضی از نظریه‌پردازان ظاهرین و ناآگاه را به وهم انداخته و آنان شروع به نقد عقیده انتظار نموده و چنین گفته‌اند: «انتظار، مذهب احتراز است مذهبی است که منتظر را به گوشه‌گیری می‌کشاند و

۱. اصول کافی: ج ۲، ص ۲۲۶.

مانع تلاش می‌شود. این اعتقاد از رویارویی با اهداف و مبارزه در راه کنار کشیده و در حاشیه می‌ماند. (۱)

ولی باید دانست که انتظاری که عقیده شیعه است، سلب مسؤولیت و عمل و تعهد نیست و منتظر دست روی دست نمی‌گذارد و همهٔ امور را به امام زمان علیه السلام و قیام آن حضرت محوّل نمی‌کند. (۲)

مرحوم محدّث نوری رحمته الله در کتاب شریف «نجم الثاقب» انتظار را از تکالیف قلبیه می‌داند و این در حالی است که شاگرد بزرگوارش جناب شیخ عباس قمی رحمته الله در کتاب گرانقدر «منتهی الآمال» با آنکه همان مطالب استاد را آورده، ولی کلمه «قلبیّه» را حذف کرده است. یعنی (انتظار)، اگرچه تکلیفی قلبی است ولی نمود و ظهورش باید در عمل باشد. انتظار مذهب اصلاح است و منتظر مصلح، خود با مصلح باشد. انتظار، فقط مذهب اعتراض خالی نیست. بلکه فریادی است بر سر بی‌عدالتی و ظلم و پیرو این فریاد است که منتظر در سدد اصلاح برمی‌آید).

۱. حلاج: نوشته علی میرفطروس که دیدگاه ماتریالیستی تاریخی داشته

است. (انتظار و انسان معاصر: ص ۳۱)

۲. بدایة المعارف الالهية: ج ۲، ص ۱۶۵.

سؤال این است که دامنه اصلاح تا کجاست و آیا مصلح با نیل به مفاهیمی چون آگاهی، عدالت و صلح و... دست از اصلاح برمی دارد؟

باید گفت که منتظر مصلح حتی بعد از ظهور هم یاور مصلح کل خواهد بود و هم دوش او، تا بالاترین نقطه پیش می رود. منتظر، اگر راضی به کمتر از آن شود و در پایین تر از آن نقطه دست از اصلاح بکشد به جایی که باید برسد، نرسیده است. منتظر مصلح، فقط با رسیدن به خدا آرام می گیرد.

به قول حضرت آیت الله العظمی بهجت (حفظه الله) که فرمودند: «چگونه ممکن است حکومت و سیادت رؤسای کشورهای اسلامی، اولوا الامر باشد؟! (که اطاعت آنها واجب باشد) اگر چنین است (یعنی اگر انسان راضی به ریاست آنها شد) پس فرج موجود و حاصل است. پس دیگر انتظار فرج برای چه؟!»^(۱) آری اگر انسان به همین وضع موجود راضی شد و هیچ احساس نیازی به فرج و ظهور امام زمان خویش نداشت، منتظر نیست.

منتظر واقعی کسی است که انتظار او از رفتار و عملش هویدا باشد.

اگر منتظر، از انتظارش فقط دیدن محبوب را طلب کند و فرقی

۱. در محضر بهجت: کتاب اوّل: ص ۶۱.

نداشته باشد که یارش از او راضی است یا نه، این انتظار موضوعیتی نخواهد داشت. آری کسانی هستند که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام فقط آرزوی دیدن آن حضرت را چه در خواب و چه در بیداری دارند و تنها اصرار بر همین مطلب می کنند بدون آنکه کوچکترین فکری درباره رضایت آن حضرت داشته باشند. اگر انسان امام زمان علیه السلام را ملاقات کند زهی سعادت! ولی مبادا در حالی باشیم که امامان با خشم و ناراحتی از ما روی بگرداند. لذا است که لازم است اشاره‌ای به ویژگی‌ها منتظر واقعی داشته باشیم:

اول: منتظر باید ابتدا در سدد اصلاح خود برآید.

انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف است و در دنیای کنونی که بزرگترین انحرافات توسط امپریالیسم و صهیونیسم به وجود آمده است منتظر باید مواظب و مراقب باشد که مبادا در مقام درگیری با ریشه‌های انحراف و به ویژه انحرافات عقیدتی تسلیم آنها شود. انتظار باید آمادگی به همراه داشته و روح منتظر به چنان قدرتی دست یافته باشد که بتواند درگرداب بلاها همانند غواصی خود را برهاند. اصلاح عقیده و پیرو آن، اصلاح عمل. همین است که امام باقر علیه السلام فرموده است: پرهیزکاری پیشه کنید و با تقوی و کوشش در اطاعت خداوند بر این عقیده که دارید ثابت بمانید. از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است که فرمودند: هر کس مشتاق است که از یاران قائم ما شود باید منتظر ظهور او باشد و پرهیزکاری پیشه

سازد و دارای اخلاق نیکو باشد و چنین منتظری است که اگر در این حالت بمیرد و بعد از مرگ او قائم قیام نماید ثواب کسی را دارد که آن حضرت را درک کرده است. (۱)

همین انتظار است که افضل اعمال امت است. (۲) انتظاری که منتظر را به سوی اصلاح خویش در تمام ابعاد سوق می دهد. لازمه اصلاح نیز شناخت است و شناختن حق و باطل. تقویت مبانی ایدئولوژیک اسلام و ریشه یابی فسادهای فکری و در فرصت مناسب خشکانیدن ریشه انحراف. شناخت انسان و پی بردن به فلسفه آفرینش طبق فرمایشات قرآن و سنت و شناخت امام علیه السلام که با این شناخت اگر انسان بمیرد گرچه امام زمان علیه السلام ظهور نکرده باشد همانند کسی است که با او در خیمه اش بوده و زیر پرچمش نشسته است. (۳) او بعد از اینکه امام زمانش را شناخت باید ریشه های انتظار را نیز درک کند. باید بداند که ظلم ها و جنگ ها و خونریزی ها و فقر مادی و معنوی، زمینه انتظار او هستند و بدون مصلح جهانی، صلح، عدل و آرامش و علم و اخلاق نمی تواند محقق شود. فکر جوّال و کنجکا و انسان نیز به دنبال شکستن

۱. غیبت نعمانی - مهدی موعود: باب بیست و هفتم.

۲. تحف العقول: ص ۳۷ - منتخب الاثر: ص ۴۹۹.

۳. مهدی موعود: باب بیست و هفتم.

حصارهای علوم و معارف است و رشد علوم مادی و بالاتر از آن رسیدن به قلّه تمام معارف یعنی علم توحید با حضور و ظهور امام علیه السلام میسر است. در یک کلام منتظر باید نیازمند امام علیه السلام باشد و بداند که این نیازش را غیر از او کسی دیگر، درمان نیست.

خلاصه آنکه تمام فضائل و آثار انتظار، متوجه منتظری است که عقیده و عملش را طبق خواسته خداوند اصلاح کرده باشد.

دوم: منتظر بعد از آنکه خودش را اصلاح نمود باید زمینه را برای ظهور فراهم آورد. او باید به فکر اصلاح جامعه باشد. می داند که قیام قائم علیه السلام انقلابی جهانی است و چنین نیست که هدفش فقط فرد و اصلاح بعضی افراد باشد. او جهان را اصلاح می کند و با ستمگران جهانی به مبارزه برمی خیزد. دشمن اصلی او استکبار جهانی است و حرکتش در متن جوامع است. پس اصلاح جامعه علاوه بر آنکه ادای تکلیف سنگین امر به معروف و نهی از منکر است در پس این ادای تکلیف، زمینه سازی برای ظهور هم هست که خود، تکلیفی دیگر است. مهم ترین کار برای اصلاح جامعه، روشن نمودن چراغ معنویت است. همانکه در تندباد بحران ها و شهوت پرستی ها سوسو می زند و هر لحظه رو به زوال می رود. توجه دادن جامعه به معنویت و به ویژه وجود و حضور و ظهور منجی، نور این چراغ را در دل جامعه می تاباند. یاد نمودن از امام عصر علیه السلام و توجه دادن دلها به آن

حضرت و دعا کردن برای ظهور، امیدی تازه در رگهای جامعه تزریق کرده و آن را به سمت مهدویت و معنویت سوق می‌دهد.

سوم: منتظر باید ادب انتظار را بداند. هدفش از انتظار فقط و فقط عمل به تکلیف و اصلاح باشد. همین که بدانند امام «وسیله» است همان وسیله‌ای که خداوند در قرآنش از ما خواسته است تا مهیاش کنیم؛^(۱) همان چراغ هدایت و کشتی نجات از ظلمت و گناه است، این شناخت از امام علیه السلام موجب توسل است و با توسل، انس ایجاد می‌شود. امام علیه السلام را انیس خویش در تنهایی‌های هولناک می‌یابد و تکیه‌گاهش در فراز و نشیب زندگی اوست. با چنین انیس مشفق و با چنین تکیه‌گاه محکمی تجدید عهد می‌کند. عهدی که در «عالم ذرّ» با خدایش بسته است^(۲) اینجا با ولیّ خدا تجدید می‌کند. درک معنای ربوبیت الهی و رسیدن به اصل خویش را تنها در عهد و بیعت با امام زمان خویش می‌یابد و بدیهی است که عهد بستن، بسیار آسان‌تر است از بیعت نشکستن. تاریخ چه بسیار کسانی را سراغ دارد که با امام زمان خویش عهد بسته و با کوچکترین تلنگری نه تنها عهد خویش را شکسته‌اند بلکه با شمشیر، عرصه را نیز به آن حضرت تنگ‌تر نموده‌اند. بارزترین نمونه آن؛ رفتار مردم کوفه با حضرت امیرالمؤمنین و امام حسن

۲- اعراف: ۱۷۲.

۱- مائده: ۳۵.

مجتبی و مسلم بن عقیل و امام حسین علیهم السلام است، ثبات قدم در ادعیه نیز از جایگاه والایی برخوردار است در ذکر سجده زیارت عاشورا بعد از حمد خداوند از او شفاعت و ثبات قدم می خواهیم «و تَبَّتْ لِي قَدَمٌ صَدَقَ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاصْحَابِ الْحُسَيْنِ...» ثابت قدم همیشه آماده است. او هر روز صبح با دعای عهد، آمادگی خود را اعلام می کند «اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَه فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَأَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا...» فکر و روحیه و علم و بصیرت و عملش، آماده ظهور است و هر زمان که به امر خداوند فرج حاصل شود دعوت امام زمان علیه السلام را لبیک گفته، با فکر و علم و عملش به یاری امام زمان علیه السلام شتاب می کند و خوشا به حال چنین منتظری.

و با عهد و ثبات بر آن است که انسان و جاهت و آبرو می یابد «أَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ»

۴- عاشق پیوسته به یاد معشوق خویش است و به این فکر است که مبادا از حوادث روزگار گزندی به او رسیده باشد. دلش آرام نمی گیرد تا خبر سلامتی به او برسد. دعا برای امام زمان علیه السلام و صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت، نوعی اظهار ارادت و بندگی و نمودی از محبت به آن حضرت است. دعا برای حفظ وجود مبارک امام عصر علیه السلام از شر شیاطین انس و جن و طلب تعجیل ظهور آن حضرت از وظایفی است که برای شیعیان در زمان

غیبت شمرده شده است. (۱) و نیز دعاهایی که در آن حفظ ایمان و دین و حفظ جوامع اسلامی از گزند کفر از خداوند خواسته شده است. (۲) استمداد و یاری خواستن از امام زمان علیه السلام نیز وظیفه ایست که اعلام نیاز به آن حضرت در آن نهفته است. (۳) حضرت امام عصر علیه السلام در جواب نامه اسحاق بن یعقوب به شیعیان امر می فرمایند که «در ظهور و فرج ما بسیار دعا کنید که فرج شما در همین است». (۴) مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله در فصل پنجم از باب چهاردهم از کتاب «منتهی الآمال» پنج دعا را به عنوان ادعیه فرج بیان کرده است. در کتب ادعیه نیز دعاهایی به عنوان دعای فرج آمده است که در بخش ادعیه خواهد آمد. در کتاب شریف «مکیال المکارم» نود فائده و اثر برای دعا بر تعجیل فرج بیان شده است. دعا، عمل به فرمایش حضرت ولی عصر علیه السلام است و اظهار محبت قلبی به ایشان، نشانه انتظار و مایه زنده شدن امر ائمه علیهم السلام و ناراحتی و وحشت شیطان و نجات از فتنه های آخر الزمان است. ادای قسمتی

۱. نجم الثاقب: ص ۷۵۷ - مفاتیح الجنان.

۲. کافی: ج ۱، ص ۲۳۷ - نجم الثاقب: ص ۷۷۶ و ۷۸۱ - جمال الاسبوع: ص ۳۱۵ - کمال الدین: ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. نجم الثاقب: ص ۷۸۷ - رجال گشی: ج ۱، ص ۳۱۹.

۴. الغیبة شیخ طوسی رحمته الله: ص ۱۷۶.

از حقوق حضرت و اجر و مزد رسالت و تعظیم خداوند است و نتیجه اش محشور شدن در زمره امامان علیهم السلام و بالا رفتن درجات و ایمنی از سختی حساب و رسیدن به شفاعت فاطمه زهرا علیها السلام و نیل به عالی ترین درجات شهداست. (۱)

خلاصه کلام آن که رعایت تقوای الهی و انجام واجبات و ترک محرمات مهم ترین وظیفه هر کس است و ملاک تقرب به خداوند و اهل بیت علیهم السلام و ارتباط با امام زمان علیه السلام تقوای افراد است و بس و انجام اعمالی همچون دعا و صدقه و سایر اعمال در زیاد شدن تقوی و محبت به اهل بیت علیهم السلام مؤثر است. خداوندا، ما را آگاه به وظایف خویش بگردان و توفیق انجام وظایف به ما عنایت فرما. آمین یا رب العالمین.

﴿۱۲﴾

آیا دعای ندبه از امام معصوم علیه السلام است؟

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی درباره دعای ندبه در کتاب امامت و مهدویت بحث مفصلی نموده اند که نتیجه آن مختصراً چنین است: این دعا را سید بن طاووس رحمته الله علیه که از بزرگان شیعه در قرن هفتم هجری است در کتاب شریف «اقبال» و «مصباح

۱. مکیال المکارم: بخش پنجم.

الزائر» و شیخ محمد بن جعفر مشهدی از بزرگان قرن ششم در کتاب «مزار» نقل نموده‌اند و در «مزار قدیم» که ظاهراً از تألیفات «قطب راوندی» است آمده است. نقل دعای ندبه در این سه کتاب دلیل این است که این سه شخصیت بزرگ و حدیث شناس این دعا را معتبر شناخته‌اند. پیش از این سه بزرگوار شیخ جلیل القدر ثقه «ابوالفرج محمد بن علی قنانی» که از بزرگان قرن پنجم است دعای ندبه را در کتاب دعائی خویش نقل کرده است. قبل از او نیز شیخ ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری در کتاب دعای خود، دعای ندبه را روایت کرده است. علامه مجلسی در کتاب «تحفة الزائر» که در مقدمه آن به اعتبار سندش شهادت داده است، اعتبار سند دعای ندبه را که منتهی به امام جعفر صادق علیه السلام می‌شود، تصدیق فرموده است.

با توجه به مطالبی که عرض شد اعتبار این دعا به خصوص با ملاحظه متن آن - که عین آیات و روایات یا حداقل مطابق آنهاست - مُحَرَز و صدور آن از امام علیه السلام مورد اطمینان، و استحباب خواندن آن ثابت است و محل هیچ گونه اشکالی نمی‌باشد. (۱)

ایشان در بخش دوم فرمایشات خویش به بررسی و پاسخ به شبهاتی که درباره دعای ندبه شده است می‌پردازند و حقیر به جهت

۱. امامت و مهدویت: ج ۱، ص ۲۶۸.

اختصار از بیان آنها صرف نظر نمودم. علاوه بر این مطالب باید گفت که چون مضامین دعای ندبه بسیار عالی است و منافاتی با مبانی حقه تشیع ندارد اگر هم سندی معتبر نداشت خواندن آن خالی از اشکال بود.

فصل سوم: ظهور و قیام

﴿ ۱ ﴾

آیا تعیین وقت ظهور که از طرف بعضی‌ها صورت می‌گیرد، صحیح است؟

در احتجاج مرحوم طبرسی رحمته الله از شیخ کلینی رحمته الله و او از اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند که من از محمد بن عثمان رحمته الله که نایب دوم امام زمان علیه السلام بود خواش کردم نامه مرا که مشتمل بر مسائلی بود به ناحیه مقدسه تقدیم کند و او پذیرفت. جواب سؤالات من به خط مولایم صاحب الزمان علیه السلام صادر شد که یکی از سؤالات درباره ظهور آن حضرت بود که فرموده بودند:

«فرج، بسته به اراده خداوند است و هر کس وقتی برای آن تعیین کند دروغ می‌گوید» (۱).

البته باید توجه داشت این که بعضی از بزرگان از نزدیک شدن ظهور آن حضرت خبر می‌دهند منافاتی با کلام امام زمان علیه السلام ندارد چون ایشان تعیین وقت را دروغ دانسته‌اند و این حرف که ظهور نزدیک شده است، تعیین وقت نیست.

۱. الغیبة شیخ طوسی: ص ۱۷۶.

﴿۲﴾

آیا امام زمان علیه السلام خودشان وقت ظهور را می دانند؟

از برخی روایات چنین بر می آید که علم زمان ظهور امام زمان علیه السلام همانند علم قیامت، منحصر به خداوند است. شخصی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام زمان خروج دجال را پرسید، حضرت جواب دادند: در این باره، سائل و مسؤل یکسان هستیم. یعنی این از اسراری است که فقط خداوند می داند. (۱) و در توقیعی که از ناحیه مقدسه در جواب اسحاق بن یعقوب صادر شده است، حضرت چنین فرموده اند: اما وقت ظهور ما موکول و منوط به اراده خداوند عز و جل است و هر کس برای ظهور ما وقت تعیین کند دروغ گفته است. (۲)

در روایت دیگری نیز چنین آمده است:

هر کس برای ظهور مهدی ما وقت تعیین کند خود را در علم خدا شریک دانسته و مدعی اطلاع از اسرار الهی شده است. اولیاء الهی به دانستن تمام اسرار الهی که در میان این خلق گمراه، پنهان شده است مخصوص شده اند و آن اسرار نزد آنان موجود است. (۳)

عده ای برای اثبات این مطلب به حدود علم امام علیه السلام اشاره کرده

۱. مهدی موعود: باب سی ام، خطبه امیرالمؤمنین به نقل از کمال الدین

۲. الغیبه شیخ طوسی رحمته الله: ص ۱۷۶.

۳. بحار: ج ۵۳، ص ۱.

و علم امام را علمی حضوری و شأنی از شؤون امامت دانسته و گفته‌اند: از آن جا که علم امام علیه السلام متصل به علم الهی از طریق وحی است لذا امام علیه السلام از غیب آگاه است و زمان ظهور را نیز با آن علم می‌داند. در جواب باید گفت: اگر چه علم امام علیه السلام علمی حضوری و نشأت گرفته از وحی الهی است ولی لازمه امامت، علمی است که در شؤون امامت تأثیر گذار باشد. دانستن احکام دین و بعضی وقایع خاصه که در امر رهبری جامعه و هدایت آن به سمت خداوند مؤثر است بر امام علیه السلام لازم است. مثلاً دانستن تعداد موهای یک انسان چه اثری در امامت دارد که لازمه آن شود و البته علم امام علیه السلام منوط به خواست آنان از خداوند است و اگر از خداوند بخواهند که علم چیزی را به آنها بدهد خواهد داد. لذا با توجه به بعضی بحثهای کلامی پیرامون علم امام علیه السلام و برخی احادیث مانند حدیث آخر که ذکر شد می‌شود نتیجه گرفت که امام علیه السلام به همه حقایق عالم و آن چه بوده و هست و خواهد بود آگاه است.

امام علیه السلام ظهور را می‌داند و البته این مطلب با روایاتی که ذکر شده قابل جمع است زیرا مقصود آن روایات این است که امام علیه السلام تعیین وقت نمی‌فرماید نه این که وقت ظهور را نمی‌داند. (۱)

۱. الشمووس المضيئة: باب سوّم، فصل اوّل.

﴿۳﴾

ظهور امام زمان علیه السلام به چه نحوی آغاز می شود؟

از روایات چنین فهمیده می شود که ظهور امام زمان علیه السلام مخفیانه (۱) و از اطراف مکه است. (۲) اول کسی که با او بیعت می کند جبرئیل علیه السلام است سپس فرشتگان و برگزیدگان از جنیان دست بیعت به سویش دراز می کنند و بعد از آنها سیصد و سیزده نفر که یاران خاص حضرت هستند به بیعتش می شتابند. (۳)

سپس ایشان به مکه آمده به کعبه تکیه زده و با مردم سخن خواهند گفت. (۴) بعد از آن که تعداد یاران آن حضرت به ده هزار نفر رسید پرچم غلبه و پیروزی را به اهتزاز در آورده با آن به راه می افتد. (۵) در روایاتی روز ظهور را روز شنبه و عاشورا (۶) و نیز نوروز (۷) گفته اند که شاید آن زمان این سه روز بر هم منطبق

۱. حق الیقین: رجعت، ص ۳۶۵.

۲. مهدی موعود: باب سی و یکم - اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۸۲.

۳. بحار: ج ۵۳، ص ۸. ۴. بحار: ج ۵۳، ص ۹.

۵. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۴۵.

۶. مهدی موعود: باب سی و یکم، ص ۱۰۷۹ به نقل از الغیبة شیخ طوسی (ره)

- اثبات الهداة: ج ۳، ص ۴۹۱.

۷. مهدی موعود: باب سی و یکم، ص ۱۰۰۱ به نقل از «مهدب» ابن فهد

حلی علیه السلام - اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۷۱.

شوند. البته روز جمعه نیز در روایات و ادعیه، روز ظهور معرفی شده است.

هنگام ظهور، تمامی مردم صدای جبرئیل علیه السلام را می شنوند که آنان را به پیروی از امام زمان علیه السلام فرا می خواند: «ای مردم این مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است - و او رابه نام و کنیه جدش پیامبر صلی الله علیه و آله می نامد و نسبش را از امام حسن عسکری علیه السلام به امام حسین علیه السلام می رساند - با او بیعت کنید که به راه راست هدایت شوید و از او سرپیچی نکنید که گمراه خواهید شد. (۱) به این ترتیب قیام جهانی امام زمان علیه السلام آغاز خواهد شد. «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه واجعلنا من خیر اغوانه و انصاره.»

﴿۴﴾

علائم ظهور کدامند؟

در بیان علائم ظهور، اگر چه کتابهای مفصلی موجود است ولی ما اکتفا می کنیم به نگاشته ثقة المحدثین شیخ عباس قمی رحمته الله در فصل هفتم باب چهاردهم کتاب «منتهی الآمال» که از کتاب «کفایة الموحّدین» نوشته فقیه محدث، سید اسماعیل عقیلی نوری رحمته الله نقل شده است: علائم ظهور بر دو قسم است: علامات حتمیة و علامات غیر حتمیة.

۱. بحار: ج ۵۳، ص ۸.

علائم حتمیه عبارتند از:

اول: خروج دجال

دوم: صیحه و نداء آسمانی

سوم: خروج سفیانی

چهارم: فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین پیداء

پنجم: قتل نفس زکیه که سیدی از آل محمد صلی الله علیه و آله است که ما بین

رکن و مقام کشته می شود.

ششم: خروج سید حسنی که جوان خوش صورتی است که با

حضرت بیعت می کند.

هفتم: ظاهر شدن کف دستی است که در آسمان طلوع می نماید

و در روایات دیگر، صورت و سینه و کف دستی است که در نزد

چشمه خورشید ظاهر می شود.

هشتم: کسوف در نیمه رمضان و خسوف در آخر آن که همیشه

بر خلاف آن است.

نهم: آیات و علاماتی است که در ماه رجب آن سال ظاهر

می شود و آن سه نداء است که از آسمان به گوش مردم می رسد.

دهم: اختلاف بنی عباس و انقراض دولت ایشان که در اخبار

آمده است.

علامات غیر حتمیه نیز بسیار است که بعضی ظاهر شده

و بعضی واقع نشده است که اشاره می شود:

- اول: خراب شدن دیوار کوفه.
- دوم: جاری شدن نهری از شط فرات در کوچه‌های کوفه.
- سوم: آبادی شهر کوفه بعد از خرابی آن.
- چهارم: آب در آوردن دریای نجف.
- پنجم: جاری شدن نهری از فرات به نجف.
- ششم: ظاهر شدن ستاره دنباله دار در نزدیک ستاره جدی.
- هفتم: قحطی شدید.
- هشتم: وقوع زلزله و طاعون در بسیاری از شهرها.
- نهم: قتل بسیار که آرام نمی‌گیرد.
- دهم: زینت کردن قرآن‌ها و مساجد بدون عمل به دستورات دین.

- یازدهم: خراب شدن مسجد براثا.
- دوازدهم: ظاهر شدن آتشی است در سمت مشرق زمین که در میان زمین و آسمان افروخته می‌شود که محل تعجب و خوف است.
- سیزدهم: ظاهر شدن سرخی شدید که در اطراف آسمان پهن می‌شود.

- چهاردهم: کثرت قتل و خون‌ریزی در کوفه.
- پانزدهم: مسخ شدن طایفه‌ای به صورت میمون و خوک.
- شانزدهم: حرکت پرچمهای سیاه از خراسان.
- هفدهم: آمدن باران بسیار شدید در ماه جمادی الثانی و رجب.

علائم آخرالزمان از زبان امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

زمانی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمانهای خود را محکم کنند و دین را به دنیا بفروشند و موقعی که سفیهان را به کار گماشتند و با زنان مشورت کردند^(۱) و پیوند خویشان را پاره نمودند و هوا پرستی پیشه ساختند و خون یکدیگر را بی ارزش دانستند. حلم و بردباری در میان آنها نشانه ضعف و ناتوانی باشد و ظلم و ستم باعث فخر گردد. أمراء، فاجر و وزراء، ظالم و سرگردگان دانا، خائن، و قاریان قرآن، فاسق باشند. شهادت باطل، آشکار باشد و اعمال زشت و گفتار بهتان آمیز و گناه و طغیان و تجاوز، علنی گردد، قرآنها زینت شود و مسجدها تزئین شوند^(۲) و منارهها بلند گردند و اشرار، مورد عنایت قرار گیرند و صفوف، درهم بسته باشد و خواهشها و هواها مختلف، پیمانها نقض گردد و وعدهای که داده شده است نزدیک شود. زنها به واسطه میل شایانی که به امور دنیا دارند در امر تجارت با شوهران خود

۱. منظور از مشورت با زنان، مشورت با زنانی است که اهلیت و لیاقت مشاوره را ندارد و بدیهی است که چنین مشاوره که عقل خویش را با احساس و هوای نفسانی کم رنگ کرده باشد انسان را به گمراهی رهنمون می سازد.

۲. منظور از تزئین مساجد، زینت دادن آنها به اموری است که معنویت آنها را کمتر می کند و اذهان و افکار نمازگزاران را مشغول خود می سازد.

شرکت جویند.

صداهای فاسقان بلند شود و مردم نیز گوش دهند. بزرگ قوم، رذل ترین آنهاست. از شخص فاجر به ملاحظه شرش تقیه می شود. دروغگو تصدیق و خائن، امین گردد، زنان نوازنده، آلات طرب و موسیقی به دست گرفته نوازندگی کنند و مردم، پیشینیان خود را لعنت نمایند. زنها بر زینها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند. شاهد (در محکمه) بدون این که از وی درخواست شود، شهادت می دهد و دیگری به خاطر دوست خود بر خلاف حق گواهی می دهد. احکام دین را برای غیر دین بیاموزند و کار دنیا را بر آخرت مقدم دارند. پوست میش را بر دلهای گرگها بپوشند در حالی که دلهای آنها از مردار متعفن تر و از صبر^(۱) تلخ تر است.^(۲)

﴿۵﴾

دجال کیست؟

دجال در لغت به معنی کذاب است و معنای مصدری آن، آب طلا و نقره دادن است و گفته اند که او مسیح دروغگویی است که به

۱. صبر، گیاه بسیار تلخی است که در تلخی ضرب المثل است.

۲. مهدی موعود: ترجمه استاد دوانی، باب سی ام، ص ۹۶۳ - کفایة

الموحدین: ج ۳، ص ۴۲۶ - بحار: ج ۵۲ ص ۱۹۳.

خاطر فریب کار بودن به این نام خوانده شده است. در زبانهای فرانسه و انگلیسی به او «آنتی کریست Antichrist» گفته شده که به معنی «ضد مسیح» است. در کتب مسیحیان و یهودیان نیز اشاره‌ای به ظهور چنین شخصی شده است. در آثار اسلامی نیز بحثهای زیادی راجع به دجال شده است و اصل او را از «اصفهان یا سجستان» دانسته‌اند. او دارای قدرت شیطانی عجیبی است. یک چشم او مسح شده و صاف است و چشم دیگرش نیز در پیشانی او قرار دارد که مانند ستاره صبح می‌درخشد و از همه جا می‌گذرد و فقط در مکه و مدینه قدم نمی‌گذارد. اکثر مردم پیرو او می‌شوند و دچار بدبختی می‌گردند و تنها کسانی سعادت‌مندند که بتوانند با او مقابله کنند. می‌گویند از هر موی خر دجال نغمه‌ای به گوش می‌رسد که موجب جذب شدن مردم سست ایمان و بی‌تقوا می‌گردد. (۱)

خروج دجال از علائم حتمیه ظهور بیان شده است. (۲) برای روشن‌تر شدن مطلب چند روایت را نقل می‌کنیم:

اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد: دجال کیست؟
حضرت فرمودند: نامش صائد بن صید است. شقی است آن کس که ادعای او را تصدیق کند و سعادت‌مند است هر که او را تکذیب نماید. از شهری که آن را اصفهان می‌گویند و قریه‌ای که

۱. مهدی موعود: باب سی ام، پاورقی ص ۹۷۲.

۲. اثبات الهداة: ج ۷ ص ۴۰۵.

معروف به «یهودیه» است بیرون می آید. چشم راست ندارد و چشم دیگر در پیشانی اوست و مانند ستاره صبح می درخشد. چیزی در چشم اوست که گویی آمیخته به خون است. در پیشانی او نوشته شده است «این کافر است» و هر شخص باسواد و بی سواد آن را می خواند. او داخل دریا می شود و آفتاب با او می گردد. در جلوی رویش کوهی از دود است و پشت سر او کوه سفیدی است که مردم آن را طعام می بینند. وی در قحطی سختی می آید و بر الاغ سفیدی سوار است. یک گام الاغش یک میل راه است. زمین در زیر پای او نور دیده می شود. از هیچ آبی نمی گذرد مگر این که تا روز قیامت خشک شود با صدای بلند خود چنان صدا می دهد که از مشرق تا مغرب، تمام جن و انس بشنوند، می گوید: «ای دوستان من بیاید به سوی من. منم آن کس که بشر را آفرید و اندام او را موزون و متعادل ساخت و من روزی هر کس را مقدر نموده و به پیدا کردن آن راهنمایی می کنم من خدای بزرگ شما هستم»... غالب پیروان او در آن روز اولاد زنا هستند... و خداوند او را در شام در تل معروفی به نام «افیق» سه ساعت از روز جمعه گذشته به دست کسی که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می گذارد، به هلاکت می رساند. (۱)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

دجال ادعای خدایی می کند و در اولین روزی که خروج می نماید هزار نفر یهودی و زنا زاده و شراب خوار و نوازنده و بازیگر و عربهای بیابانی و زنان، پیرو او می شوند. او نیز زنا و لواط و سایر فواحش را مباح می کند... یاران او در خوردن گوشت خوک و میگساری و ارتکاب هر گونه فسق و فجوری از هم دیگر سبقت می گیرند و جز مکه و مدینه و مراقد ائمه علیهم السلام تمام نقاط زمین را می پیماید. وقتی سرکشی او از حد گذشت و ظلم او و پیروانش همه جا را گرفت کسی که عیسی بن مریم علیها السلام پشت سر او نماز می گذارد او را به قتل می رساند. (۱)

در روایتی نیز آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مؤمنی که دجال را ببیند آب دهان خود را بر روی او بیندازد و سوره مبارکه حمد را به جهت دفع سحر آن ملعون بخواند. چون او ظاهر شود عالم را پر از فتنه و آشوب می نماید و میان او و لشکر قائم علیه السلام جنگ واقع می شود و بالاخره آن ملعون به دست مبارک حضرت حجت علیه السلام یا به دست عیسی بن مریم علیها السلام کشته می شود. (۲) به نظر محقق محترم جناب آقای شیخ علی دوانی حفظه الله، آن چه مسلم است این است که موضوع دجال و مبارزه او با دولت حقه در پایان جهان در اخبار و ادبیات ایرانی و عربی و خارجی آمده است با این

۱. منتخب الاثر: ص ۴۸.

۲. کفایة الموحدين طبرسی نوری: ج ۳، ص ۴۰۰ - منتهی الآمال: باب چهاردهم، فصل هفتم.

فرق که بعضی رهبر جبهه مخالف او را حضرت عیسی علیه السلام و بعضی قائم آل محمد علیهم السلام می دانند و در هر صورت تطبیق دجال و اوصاف و علائم او و الاغش با بعضی اختراعات قرن معاصر و آینده یا رئیس دولتی که مادی گرای صرف باشد و دستگاه تبلیغاتی بسیار نیرومندی داشته باشد چیزی نیست که بتوان بر آن اعتماد کرد. ^(۱) البته به نظر برخی افراد، دجال نمادی از فرهنگ ضد دینی و شیطان پرستی است که نکته نیز محل تأمل است.

﴿ ۶ ﴾

سفیانی کیست؟

از علائم حتمیّه ظهور امام زمان علیه السلام آمدن سفیانی است. ^(۲) نامش عثمان بن عنبسه است. او از اولاد یزید بن معاویه بن ابی سفیان علیهم اللعنة می باشد که از وادی «یابس» یعنی بیابان بی آب و علف ما بین مکه و شام خروج می نماید. ^(۳)

او مردی بد صورت و آبله رو و چهار شانه و آزرَق چشم است و پنج شهر بزرگ دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین (حلب) را تصرف می کند و لشکر بسیاری به اطراف می فرستد و بسیاری از لشکر او به سمت بغداد و کوفه حرکت خواهند کرد و قتل و غارت

۱. مهدی موعود: باب سی ام، پاورقی ص ۹۶۹.

۲. کمال الدین شیخ صدوق: ص ۶۵۰ - الغیبة شیخ طوسی - الغیبة نعمانی: باب

۳. الغیبة شیخ طوسی: ص ۲۷۰.

۱۸، ص ۴۲۶.

و هتک حرمت زیادی انجام می دهند. بعد از آن نیز تعدادی از لشکرش به مدینه رفته و سه روز در آن جا قتل عام می نمایند و هر جا می رسند خرابی به بار می آورند. بعد از آن به سمت مکه روانه می شوند، ولی در سرزمینی به نام «بیداء» که ما بین مکه و مدینه است تمام آنها که سیصد هزار نفر هستند با اسب و اسلحه خویش به زمین فرو می روند و فقط دو برادر زنده می مانند تا یکی خبر از بین رفتن سفیانیان را به صاحب الامر علیه السلام بشارت دهد و دیگری با خبر رساندن به سفیانی او را بترساند. قسمت دیگر لشکر او به سمت شام می رود ولی در بین راه، لشکر حضرت حجت علیه السلام بر آنها غلبه نموده و تمام آنها را به هلاکت می رسانند. آن ملعون ظلم بسیاری به مردم به ویژه به دوستان و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام می نماید و حتی منادی او ندا می دهد که هر کس سر یک نفر از دوستان علی بن ابیطالب علیه السلام را بیاورد هزار درهم می گیرد. مردم نیز به طمع مال دنیا جاسوسی هم دیگر را نموده و همسایه از همسایه خبر می دهد که فلانی از شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام است.

سفیانی بعد از شنیدن خبر هلاک شدن لشکرش در بیداء به سمت کوفه رفته و خرابی بسیاری در آن جا می نماید. وقتی لشکر امام زمان علیه السلام به کوفه می رسد، سفیانی به سمت شام فرار می کند. سپاه امام زمان علیه السلام به تعقیب او رفته و در صخره بیت المقدس او را به قتل رسانیده به جهنم واصل می کنند. ^(۱) خروج سفیانی از آغاز تا

۱. کفایة الموحدين: ج ۳، ص ۴۰۲ - منتهی الآمال: باب چهاردهم، فصل هفتم.

پایان، مدت ۱۵ ماه طول می کشد و بعد از تصرف پنج شهر، ۸ یا ۹ ماه در آن شهرها حکومت می کند. (۱)

حضرت آیت الله العظمی بهجت در پیام خود به معتکفین فرموده بودند: مهمترین و بهترین دعایی که معتکفین انجام دهند دعا برای ظهور حضرت حجت علیه السلام می باشد. ولی چه کنیم که خروج سفیانی حتمی است و فتنه و امتحان بسیار سختی در پیش است. لذا باید با استمداد از خداوند و با رعایت تقوای الهی، خود را آماده هر نوع امتحان بکنیم تا بتوانیم در رکاب امام زمان علیه السلام با دشمنان او جهاد نمائیم.

خداوندا، ما را از شر فتنه های آخرالزمان حفظ کرده و توفیق شهادت در رکاب امام زمان علیه السلام به ما عنایت بفرما. آمین یا رب العالمین.

﴿ ۸ ﴾

آیا امام زمان علیه السلام با شمشیر واسب و... جنگ خواهد کرد؟

یکی از مسائلی که در قیام امام زمان علیه السلام مورد تأکید قرار گرفته است قیام آن حضرت با شمشیر واسب است. شاید این سوال در ذهن بیاید که مگر با شمشیر و نیزه و... می شود در مقابل بمبهای اتمی و شیمیایی و... مبارزه کرد؟! همین امر بسیاری را بر این داشته

۱. مهدی موعود: باب سی ام، ص ۹۸۸ - غیبت نعمانی: باب ۱۸، ص ۴۲۶.

است که بگویند شمشیر در این روایات، نماد اسلحه و قدرت است. یعنی امام زمان علیه السلام با سلاحهای قدرت مند روز به مبارزه علیه استکبار و حکومتهای ظالم خواهند رفت. چنین جوابی با مشکلی مواجه است و آن کشته شدن انسانهای بیگناه در جنگهاست. قدرت تخریب این بمبها به حدی است که با یک بمب کوچک که اولین بمب اتمی به کار رفته در جنگ بود حدود دویست هزار نفر در شهر هیروشیما جان باختند. اکنون که دهها سال از آن زمان میگذرد بمبهای قوی تری ساخته شده اند که میلیونها کودک و زن و غیر نظامی را تهدید می کنند. چگونه ممکن است که امام زمان علیه السلام از چنین سلاحی در برابر دشمنان استفاده کند؟! لذا از روایتی که در خرائج از امام صادق علیه السلام نقل شده است که از بیست و هفت جزء علم، بیست و پنج جزء آن نزد امام زمان علیه السلام است می توان استفاده کرد و چنین گفت که در آن زمان با علم آن حضرت تمام این سلاحها که مظهر ظلم هستند از بین رفته و علاوه بر آن که پیشرفت های علمی دیگری در زمینه های ارتباطات و صنایع مورد نیاز صورت خواهد گرفت، آن حضرت به گونه ای جنگ خواهد نمود که غیر از دشمنان حضرت، اشخاص دیگر، همچون کودکان آسیبی نبینند. علاوه بر اینها روایات بسیاری ظهور بر این دارند که ذره پیامبر صلی الله علیه و آله بر تن آن حضرت است و ذوالفقار، شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره سلاح امام زمان علیه السلام می باشد. (۱)

مرحوم آیت الله سعادت پرور در کتاب شریف «الشموس المضيئة» در این باره می فرماید: با توجه به ظاهر روایات چاره‌ای نیست جز این که بگوئیم: آلات و ابزارهای معمول و رایج در زمان ما و یا آن چه از وسائل جنگی و ارتباطی پیشرفته که در آینده خواهد بود، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به خاطر علت‌های معنوی یا ظاهری و مادی بدون استفاده خواهد ماند و در هر حال فقط خداوند به حقیقت اوضاع آگاه است (۱).

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی به این سؤال چنین جواب داده‌اند:

أولاً: مقصود از خروج با شمشیر، مأموریت به جهاد و توسل به اسلحه برای اعلاى کلمة حق است.

ثانياً: از کجا معلوم که در زمان ظهور آن حضرت، این اسلحه‌های مهیب در اختیار بشر باقی باشد. زیرا ممکن است که در اثر حوادث و آشوبها و انقلابات شدید و جنگهای خانمان سوز که پیش از ظهور واقع می شود دو سوم بشر نابود شوند (۲) و کسی باقی نماند که از این سلاحها استفاده کند یا آنها را تهیه نماید. (۳)

شاید این سؤال به ذهن شما خطور کند که امام زمان علیه السلام با وجود اصحاب کم و در مقابل این سلاحهای ویران گر چگونه پیروز

۱. الشموس المضيئة: باب سوم، فصل پانزدهم.

۲. منتخب الاثر: فصل ۶، باب ۵، ص ۴۵۲.

۳. پاسخ به ده پرسش: پرسش سوم.

خواهند شد؟

در جواب باید گفت که علاوه بر آن چه که درباره آینده سلاحها بیان شد لازم است بدانید که غیبت، ظهور و قیام و پیروزی امام زمان علیه السلام به طور عادی نیست و همین سؤال را علامه حلی رحمته الله علیه از آن حضرت در رؤیای صادقه‌ای پرسیده بود و حضرت در جواب این آیه را تلاوت کرده بودند که ﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ...﴾^(۱) یعنی از سپاهیان و لشکر خداوند فقط خود او آگاه است.

این مطلب را بارها و بارها در تاریخ شنیده و حتی دیده‌ایم. یکی از بهترین نمونه‌های آن جریان طبس است که آن جا نیز باد و شنهای صحرا جنود الهی شدند و دشمنان اسلام را نابود کردند. در زمان امام عصر علیه السلام نیز جنود غیبی خداوند آن حضرت را یاری خواهند کرد که فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء یکی از آنهاست.

﴿۷﴾

آیا امام زمان علیه السلام فقط با زبان شمشیر با دشمنان حرف می‌زنند؟

بر خلاف تصور بسیاری از مردم درباره قیام امام زمان علیه السلام زبان ایشان تنها زبان شمشیر نمی‌باشد بلکه زحمتی که ایشان برای دعوت مردم به دین می‌کشند بسیار زیاد خواهد بود تا جایی که حجّت بر عامّه مردم تمام می‌شود. علاوه بر آن که حضرت امام

عصر ع با بیان شیوا و رسا و براهین قاطع و منطقی با آنها صحبت می‌کند، معجزات و کراماتی نیز برای هدایت آنها نشان داده و برای انتخاب راه صحیح به آنان فرصت می‌دهد. (۱) عده‌ای ایمان آورده و عده‌ای به مخالفت با آن حضرت می‌پردازند. این مخالفان، زبانی جز زبان شمشیر نمی‌فهمند و امام زمان ع با آنان جنگ نموده، به سزای نافرمانیشان می‌رساند. برنامه‌ای که خداوند برای حضرت در نظر گرفته است پر کردن زمین از عدل و داد است و این مهم جز با سرکوبی معاندان و ظالمان میسر نیست و روئے حضرت نیز برای نیل به این هدف با روش اجداد خویش فرق می‌کند چرا که ایشان در همان ابتدای قیام، سیصد و سیزده نفر فدایی و یار مخلص خواهند داشت که بعداً تعداد لشکر ایشان به ده هزار نفر رسیده و قیام آغاز می‌شود. (۲)

﴿ ۹ ﴾

خصوصیات یاران امام زمان ع چیست؟

آن چه در این مهم باید به آن اشاره کرد این است که اصحاب امام زمان ع کسانی هستند که با رعایت تقوای الهی توفیق هم رکابی حضرت را یافته‌اند.

در روایات، اصحاب آن حضرت به گنج تشبیه شده‌اند. مردانی که دل‌های آنان مانند پاره‌های آهن است شکی در ایمان به خدا در آن

۱. حق‌الیقین: ص ۳۶۳.

۲. بحار: ج ۵۲، ص ۲۸۳.

راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکمتر است. اگر آنها را وادارند که کوهها را از جای بر کنند آن کار را می کنند. تمام مظاهر شرک و نفاق را خراب می نمایند، اسبهای آنها زینهای زرین دارند و خود را متبرک به وجود امام علیه السلام می سازند. آنها در جنگها امام علیه السلام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند و هر کاری که داشته باشد برایش انجام می دهند. مردانی در میان آنهاست که شبها نمی خوابند. زمزمه آنها در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می کنند. آنها زاهدان شب و شیران روزند و بسیار مطیع امام خویش می باشند. آنها آرزوی شهادت دارند و شعارشان «یا لثارات الحسین علیه السلام» است یعنی «ای یاری کنندگان و خون خواهان حسین علیه السلام. چنان با ابهت و قدرت حرکت می کنند که رعب عجیبی در دل دشمنان می اندازد. (۱)

در روایاتی آمده است که اکثر یاران حضرت، جوان هستند و فقط به مقدار سرمه در چشم و نمک در غذا میانشان پیر وجود دارد. (۲) آنان حکام خدا بر روی زمین هستند. تمام جهان مطیع آنها می شود حتی درندگان و پرندگان. هر مردی، نیروی چهل مرد دارد. (۳)

هر کس بخواهد جزء یاران حضرت شود از اکنون باید خود را

۱. مهدی موعود: باب سی و یکم، ص ۱۱۰۰ - بحار: ج ۵۲ ص ۳۰۸.

۲. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۱۷. ۳. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۴۹۴.

آماده کند. تقوا را رعایت کند و هر لحظه منتظر باشد که دعوت حق را برای یاری امام زمان علیه السلام بلیک بگوید. شخصی برای آن که خود را آماده کند همیشه شمشیر می بست ولی می گفت: بعدها فهمیدم که شمشیر بستن آمادگی نیست. دل باید آماده باشد و کسی که در زمان غیبت، رضایت خدا و امام زمان علیه السلام را مد نظر داشته است می تواند آن حضرت را یاری نماید.

﴿ ۱۰ ﴾

نگرش امام زمان علیه السلام به زنان چگونه است و نقش آنان در حکومت حضرت چیست؟

آن چه روشن است، این است که امام زمان علیه السلام احکام اسلام ناب را جاری خواهد کرد و هر چه به هر عنوانی متصل به اسلام شده و این برنامه سعادت را از خلوص و ناب بودن انداخته است، از آن جدا خواهد کرد و همانند پدران معصومش علیهم السلام هر آن چه در شأن هر کس و هر چیز است به او خواهد داد. در این میان، اسلام به زن و شخصیت او ارزش خاصی قائل است و تا آن جا که امکان دارد ارزش او را بالاتر می برد. ظهور اسلام در یک مقطع زمانی خاصی صورت گرفت. زمانی که قرآن آن را سیاه ترین دوره تاریخ بشریت می داند که یکی از نمودهای این تیره روزی، برخورد ناصحیح و بسیار زشت با چنین موجودی است. تاریخ نمونه های فراوان و روایات تلخ و جان سوزی از زنده به گور کردن دختران، ثبت کرده است. تا آن جا که بعضی از آن جاهلان، سیزده نفر از دختران خود

را زنده به گور کرده بودند. در چنین روزگاری که داشتن دختر، ننگ و عار بود^(۱)، دینی ظهور کرد که هر گونه تعرّض، حتی با نگاه، را ممنوع نمود. ارزشها و معیارهای شخصیتی را تغییر داد و تا آن جا پیش رفت که داشتن دختر را باعث برکت و سعادت معرفی کرد و می شود گفت که اسلام، به زن حیات واقعی و دوباره بخشید. خداوند متعال و به تبع آن، اهل بیت علیهم السلام درباره زن و ارزش او بسیار سخن گفته اند و با نگرشی به جهان اسلام و به ویژه تشیع، می توان دریافت که زنان چگونه دوشادوش مردان، در صحنه های مختلف تاریخ اثر گذار شده اند. ولی امروزه، جهالت قرن بیست و یکم نیز زنان و دختران را به طریق جدیدی زنده به گور می کند ولی بر خلاف عصر جاهلیت، چنین نیست که او را بکشند بلکه با نگاهی به جهان می توان دریافت که با شعارهایی به ظاهر زیبا مانند «آزادی» و «حقوق زن» آزادی روانی زن را گرفته و او را اسیر امیال و خواسته های خود می کنند. استفاده از زن به عنوان ابزار تبلیغ و برای سوء استفاده های

۱. نحل: ۵۸ و ۵۹. «زمانی که به یکی از آنها بشارت دهند که دختری نصیب تو شده است، صورت (از ناراحتی) سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد. به خاطر بشارت بدی که به او داده شده است، از قوم خود متواری می گردد (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد یا در خاک پنهان کند؟! آگاه باشید که آنان حکم بدی می کنند.»

جنسی و هتک شخصیت او بدتر از دوران جاهلیت است.

تجارت زنان و دختران از پر درآمدترین تجارت‌ها در غرب است و متأسفانه کشورهای اسلامی نیز بی نصیب از این جهالت نوین نیستند و حتی ایران اسلامی هم گاهی می‌توان گفت که تحت الشعاع نگرش جهانی به زن و شعارهای آن چنانی قرار گرفته و بعضی‌ها که غیر از اسلام به تمام مکاتب دنیا معتقد هستند، با شنیدن مقاله‌های جامعه‌شناسان غربی، آب دهانشان به راه افتاده و از تساوی زن و مرد حتی بر خلاف فرمایشات صریح قرآن، دم می‌زنند. با خواندن چند جلد کتاب، آن هم از نویسندگان غیر اسلامی و حتی بی‌دین و ضد دین، از تساوی ارث زن و مرد و ممنوعیت حجاب و حق آزادی زنان و... حرف می‌زنند و وقیحانه به خود اجازه می‌دهند در مقابل حکم خدا بایستند.

در چنین زمانی، امام زمان علیه السلام خواهند آمد و وظیفه سنگین هدایت را به دوش خواهند داشت. لذاست که مشکلات متعددی حتی بیشتر از جدش، رسول الله صلی الله علیه و آله بر سر راهش خواهد بود.

او از همان منظری به زن نگاه می‌کند که اجداد طاهرینش نگاه می‌کردند. نه این که مانند بعضی‌ها که به اسم اسلام و جهت اسلام را خراب می‌کنند و اجازه کوچکترین شرکت در اجتماع را به زنان نمی‌دهند و با چشم حقارت به زنان می‌نگرند. حتی امام زمان علیه السلام پنجاه نفر از زنان با تقوا و فهیم را به عنوان مشاور یا وزیر یا به هر عنوان دیگر، جزء سیصد و سیزده نفر که می‌شود گفت، کابینه

و رؤوس اداره کشور پهناور مهدوی هستند، انتخاب می‌کند.
 در روایتی آمده است که امام باقر علیه السلام فرمودند:
 «به خدا سوگند، سیصد و چند نفر می‌آیند که در میانشان پنجاه زن هستند. آنان در مکه اجتماع می‌کنند، بدون آن که قبلاً وعده داده باشند. آمدنشان مانند ابرهای پاییزی (سریع) است.»^(۱)
 پس زنان نیز دوشادوش مردان ولی در اموری که مطابق شأن آنهاست شرکت کرده و در انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام نقش آفرینی می‌کنند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که به مفضل فرمودند:
 «با قائم علیه السلام سیزده زن همراه است. مفضل عرض کرد: آنها چه کار می‌کنند؟ حضرت فرمودند: مجروحین را مداوا و بیماران را پرستاری می‌کنند. همان طور که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود.»^(۲)

پس معلوم است که زنان منتظر امام زمان علیه السلام نباید از ریحانه بودن مبدل به پهلوان شده و کارهایی که موافق شأن آنها نیست انجام دهند و در هر کاری که وارد می‌شوند حجاب خود را حفظ نمایند.

۲. اثبات الهداة: ج ۷، ص ۱۵۰.

۱. بحار: ج ۵۲، ص ۲۲۳.

فصل چهارم: حکومت

﴿ ۱ ﴾

مقر حکومت امام زمان علیه السلام کجاست؟

بنا بر روایات، مقر حکومت امام زمان علیه السلام شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم غنائم، مسجد سهله می باشد.

در روایت مفضل از امام صادق علیه السلام آمده است که مهدی علیه السلام بعد از گردش در شرق و غرب به کوفه می آید و وارد مسجد کوفه می شود و مساجدی را که یزید بن معاویه علیهماالهاویة بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و به شکرانه آن پیروزی ساخته است خراب می کند.

شاید سؤال شود که آن مساجد که خراب شده و اثری از آنها نیست؟ ولی بعید به نظر نمی رسد که چون در آخر الزمان بار دیگر دولت بنی امیه روی کار می آید، آن مساجد را هم تجدید بنا کنند. (۱)

۱. مهدی موعود: باب سی و سوم، ص ۱۵۸ و ص ۱۱۸۱.

﴿۲﴾

حکومت امام زمان علیه السلام چند سال طول خواهد کشید؟

روایات در این زمینه مختلف است:

در روایتی ۱۹ سال آمده است. (۱)

در روایتی ۴۰ سال. (۲)

در روایت دیگری ۳۰۹ سال. (۳)

و در دیگری ۷۰ سال. (۴)

این اختلاف به خاطر اختلاف زمان در دوران ظهور است و شاید برخی از روایات در سدد بیان طول دوران زندگی تا شهادت و بعضی دیگر در سدد بیان دوران حکومت آن حضرت و سایر ائمه علیهم السلام بعد از رجعت باشد و ممکن است روایاتی که طول دوران زندگی یا حکومت ایشان را ذکر کرده است به دوره رجعت ایشان بعد از مرگ مربوط باشد. البته علم واقعی نزد خداست. (۵)

۱. بحار ج ۵۳، ص ۱۰۰. ۲. اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۷۴.

۳. اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۱۶. ۴. اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۲۸.

۵. الشموس المضيئة: باب سوم، فصل بیست و یکم.

﴿۳﴾

آیا در زمان دولت امام زمان علیه السلام کافر، مشرک و اهل کتابی باقی خواهد بود؟

طبق روایات، در زمان حکومت جهانی امام زمان علیه السلام ندای شهادت به یگانگی خداوند و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در تمام دنیا به گوش خواهد رسید و آن حضرت، یهود و نصارا و ستاره پرستان و بی دینان و مرتدان و کافران شرق و غرب عالم را از پناهگاههایشان بیرون می کشد و اسلام را به آنها عرضه می کند. آن گاه هر کس به میل خود اسلام آورد او را به نماز و زکات و انجام واجبات امر می کند و اگر اسلام نیاورد گردش را می زند تا در شرق و غرب عالم جز مؤحد خداپرست باقی نماند. ^(۱) البته اختلافی نیز در روایات وجود دارد.

به هر حال آن چه بدیهی و روشن است این است که در زمان حکومت ائمه علیهم السلام یعنی حکومت امام زمان علیه السلام که هم زمان با رجعت است، شیاطین انس و جن به دست آنان کشته شده و زمین پر از عدل و داد می شود و عدل و داد از آثار و نتایج توحید و ایمان است و لازمه اش از بین رفتن کفر و شرک و عصیان می باشد.

البته آمدن حضرت عیسی علیه السلام نیز بسیار مؤثر است. زیرا بسیاری از مسیحیان و حتی یهودیان پیرو آن حضرت می شوند و زمانی که

۱. اثبات الهداة: ج ۳، ص ۵۴۹.

می بینند ایشان پشت سر امام زمان علیه السلام به نماز ایستادند، ایمان می آورند و این مطلب در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه ۱۵۷ سوره نساء بیان شده است. در روایات دیگری نیز آمده است که در زمان حکومت امام زمان علیه السلام خبری از جزیه نخواهد بود. زیرا نه نیازی به پول جزیه است و نه کسی پیدا می شود که اهل جزیه دادن باشد.

اگر چه در روایات آمده است که هر کس با قائم علیه السلام مخالفت کند کشته می شود و جزیه ای پذیرفته نخواهد شد^(۱) ولی در روایاتی نیز آمده است که حضرت با اهل ذمه از سر آشتی و مسالمت رفتار می نماید. همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله همین کار را می کرد.^(۲) و از آنان جزیه می گیرد و آنان باقی خواهند ماند.

در جمع این روایات گفته شده است که روایاتی که بر باقی بودن کفر و تمرد دلالت می کند بیان نحوه رفتار حضرت در آغاز کار است و آن چه دلالت بر باقی نبودن کفر و انکار و تمرد می کند مربوط به دوره تحکیم و تثبیت حاکمیت حضرت حجت علیه السلام است. از سوی دیگر اگر چه حضرت حجت علیه السلام ظلم و جور را ریشه کن خواهد نمود ولی با توجه به روایات رجعت چنین به نظر می آید که کافران محض نیز رجعت کرده و بار دیگر از بین خواهند رفت.^(۳)

۲. بحار: ج ۵۳، ص ۴۲.

۱. بحار: ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۳. الشموس المضيئة: باب سوّم فصل شانزدهم.

﴿۴﴾

آیا قضاوت امام زمان علیه السلام با سایر ائمه علیهم السلام فرق می‌کند؟

یکی از مسائلی که در فراگیر شدن عدل و داد و ریشه کنی ظلم و تعدی به دیگران مؤثر است برخورد قاطع با متخلفین است. زمانی که ظالمی بداند که به واسطه اعمالش او را مورد بازخواست قرار خواهند داد به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند. طبق روایات، امام زمان علیه السلام در قضاوتها و اجرای حدود الهی همانند حضرت داود علیه السلام بر علم خویش عمل می‌نمایند^(۱) و هیچ مجرمی توان انکار جرم خود را نخواهد داشت. سایر حضرات معصومین علیهم السلام موظف بودند به ادله ظاهری مانند «بیّنه و شهود» عمل کنند. ولی ایشان با علم امامت خویش به اذن خداوند از قلوب مردم آگاه بوده و بر طبق علم و آگاهی خویش با آنها رفتار خواهد نمود. البته ایشان در بعضی موارد همانند پیامبر صلی الله علیه و آله نیز حکم خواهند کرد.

﴿۵﴾

امام زمان علیه السلام چگونه انتقام ظلمهائی که به اجداد طاهرینش علیهم السلام شده است خواهد گرفت؟

۱. اثبات الهداة: ج ۷، ص ۱۱۱.

زمانی که امام زمان علیه السلام به مدینه می‌رسند کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده، صدا می‌زنند: ای مردم، آیا این قبر جد من است؟ مردم می‌گویند: آری. سپس سؤال می‌کند: چه کسانی در کنار او مدفون هستند؟ جواب می‌دهند: دو نفر از اصحاب او ابوبکر و عمر با این که آن حضرت بهتر از هر کسی آن دو را می‌شناسد سؤال می‌کند: آنها کیستند و چرا فقط این دو نفر اینجا دفن شده‌اند؟ مردم می‌گویند: آن دو خلیفه پیغمبر و پدر زن او هستند. سپس می‌پرسد: آیا کسی هست که اگر آن دو را ببیند بشناسد؟ مردم می‌گویند: بله ما اوصاف آنها را شنیده‌ایم و اگر ببینیم می‌شناسیم. سؤال می‌کند: آیا کسی هست که شک داشته باشد که چه کسی اینجا مدفون است؟ جواب می‌دهند که نه ما مطمئنیم. بعد از سه روز دستور می‌دهد که روی قبرها را بردارند و بشکافند. سپس آن دو را با بدن تازه بیرون می‌آورند و بر درخت خشکی آویزان می‌کنند... سپس دستور می‌دهد آنها را از بالای دار پایین می‌آورند و به امر خدا زنده می‌گرداند و دستور می‌دهد تمام مردم جمع شوند. سپس اعمال آنان را شرح می‌دهد و زدن سلمان فارسی، آتش زدن درب خانه امیرالمؤمنین و فاطمه علیها السلام و تازیانه زدن به بازوی آن حضرت و در به پهلوی زدن و شهادت محسن و مسموم نمودن امام حسن علیه السلام و شهادت امام حسین علیه السلام و اطفال و یاوران آن حضرت و اسیر کردن فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و هر خونی که به ناحق ریخته شده و هر هتک

حرمتی و هر گناهی را برگردن آن دو اثبات می‌کند چرا که بنیان‌گذار انحراف، این دو بودند و آنها اعتراف می‌کنند. آنگاه دستور می‌دهد هر کس حاضر است و از آنها ظلمی دیده قصاص کند. آنها هم قصاص می‌کنند سپس آن دو را دوباره بر همان درخت به دار می‌کشد و امر می‌کند آتشی از زمین بیرون آمده آنها را با درخت می‌سوزاند سپس به باد دستور می‌دهد تا خاکسترشان را به آب دریاها پاشد و این فقط عذاب دنیوی آنهاست و در آخرت عذاب دردناکی خواهند داشت. (۱)

و نیز طبق روایتی که در سؤال پنجم فصل اول بیان شد امام زمان علیه السلام انتقام امام حسین علیه السلام و اصحابش را نیز خواهد گرفت. (۲)

﴿ ۶ ﴾

آیا امام زمان علیه السلام جانشینی خواهند داشت؟

طبق برخی روایات بعد از امام زمان علیه السلام دوازده مهدی خواهند آمد که جانشین او هستند. ولی مشهور بین شیعه آن است که حضرت امام زمان علیه السلام جانشین و وصی نخواهند داشت لذا باید این دو دسته را با هم جمع کرد:

۱. مهدی موعود: باب سی و سوم، خبر مفضل بن عمر کوفی - حق الیقین: ص

۲. علل الشرایع: ج ۱، ص ۱۲۹.

جمع اول: بگوئیم که مقصود از دوازده مهدی، پیغمبر خدا و سایر ائمه علیهم السلام باشند که جمعاً دوازده نفرند. به این معنی که آنها بعد از قائم علیه السلام به دنیا رجعت کرده و به نوبت حکومت می نمایند.

جمع دوم: اینکه منظور از این مهدی ها جانشینانی باشند که در زمان سایر ائمه علیهم السلام که رجعت می کنند، مردم را به دین خدا دعوت می نمایند. (۱)

﴿۷﴾

آیا امام زمان علیه السلام به شهادت خواهند رسید؟

طبق روایات، تمام ائمه یا با سمّ و یا با شمشیر به شهادت می رسند. (۲)

لذا روایاتی نیز که در آنها تعبیر فوت و موت امام زمان علیه السلام شده است (۳) به معنای از دنیا رفتن با شهادت است. ولی در این مورد که قاتل حضرت چه کسی است روایت معتبری نیست. در بعضی روایات ضعیفه از زن عجزوهای سخن به میان آمده است که این روایات به جهت ضعف، قابل اعتماد نیست.

۱. مهدی موعود: باب سی و پنجم، ص ۱۲۳۸.

۲. بحار: ج ۲۷، ص ۲۱۷.

۳. حق الیقین: ص ۳۵۰ و ۳۵۱ به نقل از کافی و انوار مضيئة.

﴿۸۶﴾

غسل و کفن و نماز و دفن امام زمان علیه السلام بر عهده چه کسی خواهد بود؟

بنا بر روایات معتبر تجهیز و نماز خواندن و دفن امام معصوم علیه السلام را فقط امام معصوم دیگری می تواند انجام دهد. (۱) درباره امام زمان علیه السلام نیز آمده است که امام حسین علیه السلام که اولین رجعت کننده است و بعد از امام زمان علیه السلام حکومت خواهد کرد، آن حضرت را غسل داده، کفن و حنوط می کند و نماز بر آن حضرت می خواند پس آن حضرت را در لحد می گذارد. (۲)

﴿۸۷﴾

رجعت چیست؟

یکی از مباحثی که از دیر باز پیرامون آن سخن گفته شده است مسأله «رجعت» است. بدین معنی که برخی از آیات قرآن شریف و روایات منقول از خاندان رسالت از بازگشت گروهی از انسانها به دنیا پیش از برپایی رستاخیز گزارش می دهند و پیروان آئین تشیع نیز در پذیرش آن کمترین تردید به خود راه نداده، یقین به وقوع

۱. کافی: دارالکتب الاسلامیه: ج ۱، ص ۳۸۴.

۲. حق الیقین: ص ۳۵۰ و ۳۵۱ به نقل از کافی و «انوار مضيئة» - مهدی موعود:

باب سی و چهارم، به نقل از «منتخب البصائر»

چنین رویدادی دارند. بدین جهت در کتب عقاید و کلام به صورت مختصر و کوتاه از این عقیده سخن به میان آمده است. رجعت در لغت به معنای «بازگشت» می باشد و در اصطلاح به بازگشت گروهی از مؤمنان خالص و عده‌ای از کافران فاجر پیش از قیامت و هم زمان با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام گفته می شود و به خاطر هم زمانی با قیامت و نیز قیام امام زمان علیه السلام گاهی در میان مسائل معاد و گاهی در مسائل امامت و ظهور امام عصر علیه السلام از آن بحث می شود.

شیخ مفید رحمته الله علیه می گوید: «خداوند شماری از امت محمد صلی الله علیه و آله را بعد از مرگشان و پیش از برپائی قیامت بر می انگیزد و این از اختصاصات مذهب شیعه است و قرآن بر درستی آن گواهی می دهد. (۱)

علامه مجلسی رحمته الله علیه نیز درباره رجعت می نویسد: از دیدگاه ما رجعت به مؤمنان راستین و کافران فرو رفته در گرداب کفر و الحاد اختصاص دارد و کسی غیر از این دو گروه به دنیا باز نخواهد گشت. (۲) و نیز گفته است: اعتقاد به رجعت در تمام دوره‌ها مورد اجماع فرقه شیعه بوده و چون خورشید بر تارک آسمان می درخشد و کسی را یارای انکار آن نیست. (۳)

آن چه مسلم است رجعت از دیدگاه عقل نیز امری ممکن است

۲. بحار: ج ۵۳، ص ۱۳۸.

۱. بحار: ج ۵۳، ص ۱۳۶.

۳. بحار: ج ۵۳، ص ۱۴۴.

و هیچ مانع عقلی از آن نیست. طبق روایات نیز همه حوادثی که در امم پیشین رخ داده است بدون کمترین تفاوت و کوچکترین تغییر در این امت روی خواهد داد. (۱) بنابر فرمایش آیات قرآن و اخبار و روایات، رجعت در امتهای پیشین صورت گرفته است لذا باید این امر در امت پیامبر ﷺ نیز رخ دهد. امام رضا علیه السلام در جواب مأمون عباسی که از رجعت می پرسد چنین می گوید: همانا رجعت حق است و در امم پیشین روی داده و قرآن نیز از وقوع آن خبر می دهد و حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در میان این امت همه رویدادهای امتهای پیشین بدون کم و کاست و با کمترین تفاوت به وقوع می پیوندد. (۲) پس یکی از دلائل وقوع رجعت، وجود مواردی از بازگشت به دنیا در امتهای گذشته می باشد که در قرآن آمده است:

- ۱- زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل که در آیه های ۵۵ و ۵۶ سوره بقره و ۱۵۳ اعراف بیان شده است.

- ۲- زنده شدن مقتول بنی اسرائیل که در آیه ۷ سوره هود آمده است.

- ۳- مرگ چند هزار نفر و حیات دوباره آنها که در آیه ۲۴۳ سوره بقره به آن اشاره شده است.

- ۴- زنده شدن عزیز علیه السلام بعد از صد سال که در آیه ۲۵۹ سوره بقره آمده است.

۲. بحار: ج ۵۳، ص ۵۹.

۱. کمال الدین: ص ۵۷۶.

علاوه بر این قرآن کریم نیز در آیه ۸۳ سوره نمل رجعت را امری حق و واقع شدنی بیان کرده است. به هر حال طبق روایات معتبر، رجعت از جمله مسائل اعتقادی است که معتقد بودن به آن لازم است و روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس به هفت موضوع اقرار کند مؤمن است و رجعت را یکی از آنها شمرده‌اند. (۱)

به چندین سند از امام باقر علیه السلام روایت شده است اول کسی که رجعت خواهد کرد امام حسین علیه السلام است و به قدری حکومت می‌کند که از پیری، ابروانش بر روی دیدگان آن حضرت می‌ریزد. از امام کاظم علیه السلام نیز روایت شده است که در رجعت، ارواح مؤمنان با ارواح دشمنان ایشان به سوی بدن‌ها برمی‌گردند تا حق خود را از ایشان و انتقام ظلم‌هایی را که کرده‌اند بگیرند. آن مؤمنان سی ماه بعد از کشتن دشمنان خود زندگانی می‌کنند و بعد از آن به نعیم بهشت برمی‌گردند. (۲) البته همه رجعت‌کنندگان، یکبار رجعت نمی‌کنند بلکه طبق بعضی روایات، برای بعضی افراد مانند امیرالمؤمنین علیه السلام چندین بار رجعت صورت می‌گیرد. (۳)

هدف از رجعت، مشاهده عزت اسلام و ذلت کفر است. به این

۱. بحار: ج ۵۳، ص ۴۰.

۲. حق الیقین: علامه مجلسی، انتشارات علمیه اسلامی، ص ۳۴۵.

۳. بحار: ج ۳، ص ۴۲.

معنی که بازگشت به دنیا در زمانی به وقوع می پیوندد که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین و آن چه در آن است در اختیار مؤمنان قرار گرفته و کفار و ستم پیشگان خوار و ذلیل گشته اند. از این رو خداوند مهربان گروهی از انسانها را به جهان باز می گرداند تا مؤمنان، شاد و کافران خشمگین شوند و دریابند که وعده خداوند حق بوده و کفر و باطل نابود شدنی است. همچنین ممکن است افراد با ایمان در این بازگشت به مقاماتی دست یابند که فقط در موقع سیطره کامل اسلام تحصیل آن ممکن است کافران ستمگر نیز بدین جهت به جهان طبیعت باز می گردند که سزای دنیایی بسیاری از گناهان خویش را ببینند. شهید دستغیب در کتاب هشتاد و دو پرسش چنین می نویسد:

رجعت مؤمن اختیاری است و تکلیفی نیست و برای رسیدن به بعضی از مراتب جزای ایمان که دیدن سلطنت (حکومت) اهل بیت علیهم السلام است می باشد. و ممکن است برای بعضی مؤمنین علاوه بر آن چه ذکر شد یک نوع تکلیف باشد که در حیات اولیه اش به واسطه حوادث واقعه موفقیت پیدا نکرده بود. از قبیل شهادت در رکاب امام علیه السلام اگر مورد آرزوی او بوده، که ممکن است در زمان ظهور به دنیا برگردد تا به این مرحله از کمال نائل آید.

البته ممکن است دلایل و حکمت‌های دیگری نیز در رجعت باشد که ما از آن آگاه نیستیم. والله العالم.

در اعتقاد به رجعت به نکاتی باید دقت شود تا انسان در دام

منکران و شبهه پراکنان نیفتد. اولاً باید دانست که رجعت برخلاف سنت عمومی الهی نیست. زیرا در امتهای پیشین صورت گرفته است. ثانیاً رجعت، بازگشت فعلیت به قوه نیست تا محال باشد. زیرا انسان رجعت کننده با همان فعلیتهای که جهان را ترک گفته است به دنیا باز می‌گردد به عبارت دیگر رجعت یک نوع ادامه حیات است که مدتی بریده شده است. علاوه بر این رجعت خود نوعی به فعلیت رسیدن قوه است. زنده شدن پس از مرگ مصداق بازگشت فعل به قوه نیست. از سوی دیگر وقوع رجعت در امتهای گذشته نشان می‌دهد که امر محالی نمی‌باشد و نه در قرآن و نه از لحاظ عقلی رجوع عده‌ای از مؤمنان و کافران به دنیا محال شمرده نشده است. (۱) در ادعیه ما نیز به رجعت اشاره شده و حتی خواندن دعای عهد را موجب رجعت و همراهی با امام زمان علیه السلام بیان کرده‌اند که خواهد آمد انشاء الله.

الحمد لله رب العالمین

۱. در بحث رجعت بیشتر از کتابهای رجعت: نگارش حسن طارمی و حق الیقین علامه مجلسی رحمته الله علیه و مهدی موعود: باب سی و چهارم استفاده شده است.

بخش دوم:

زیارات و ادعیه

شب گر رخ مهتاب نبیند سخت است
لب تشنه اگر آب نبیند سخت است
ما نوکر و ارباب تویی مهدی جان
نوکر رخ ارباب نبیند سخت است

گرچه سیه رو شدم غلام تو هستم
خواجه مگر عبد روسیاه ندارد
هرکه گدایی آستان تو آموخت
دولتی اندوختی که شاه ندارد

زیارت آل یاسین

شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی رحمته اللہ علیہ در کتاب شریف احتجاج روایت کرده کہ: از ناحیہ مقدسہ بیرون آمد بسوی محمد حمیری بعد از جواب از مسایلی کہ از آن حضرت سؤال کرده بود:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَ لَا مِنْ أَوْلِيَّائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِالِغَةِ فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ [عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ] السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ»

هر گاہ خواستید توجه کنید به وسیلہ ما بہ سوی خداوند تبارک و تعالی چنانکہ خدای تعالی فرموده پس بگوئید:

«سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَسِ السَّلَامِ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللّٰهِ وَ رَبَّنَا يَا آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللّٰهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللّٰهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ وَ دَلِيلَ اِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللّٰهِ وَ تَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي اَنَاءِ لَيْلِكَ وَ اطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِيثَاقَ اللّٰهِ الَّذِي اَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَعْدَ اللّٰهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَ الْعَوْتُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدَا غَيْرِ مَكْذُوبِ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمَسِي السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ اِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرَ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشْرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا أَشْخَطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَآخِرِكُمْ وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ وَبَعْدَ أَنْ آتَى دَعَا خَوَانِدَةَ شَوَدَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيْمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ وَعِزِّي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى الْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ فَتُغْفِرْ لِي رَحْمَتَكَ [رَحْمَتِكَ]

يَا وَليُّ يَا حَميدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ [مُحَمَّدٍ] حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي
 بِلادِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَ القَائِم بِقِسْطِكَ وَ النَّائِب بِأَمْرِكَ وَ لِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 بَوَارِ الكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَ مُنِيرِ الحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ
 الثَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ المُرْتَقِبِ الخَائِفِ وَ الوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةَ النِّجَاةِ وَ عِلْمِ الهُدَى وَ
 نُورِ أبْصارِ الوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَ مُجَلِّي العَمَى [الغَمَاءِ] الَّذِي يَمَلَأُ
 الأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَيَّ وَ لِيكَ وَ ابْنِ أَوْلِيائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ
 الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِياءَكَ وَ
 أَوْلِياءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ
 جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ اخْفِظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ
 امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ اخْفِظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ العَدْلَ
 وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ قاصِمِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ
 الكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الكُفَّارَ وَ المُنافِقِينَ وَ جَمِيعَ المُلْحِدِينَ حَيْثُ كانوا مِنْ مَشَارِقِ
 الأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا بَرِّهاً وَ بَحْرِهاً وَ امْلَأْ بِهِ الأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ اجْعَلْني اللَّهُمَّ مِنْ أنصارِهِ وَ أعوانِهِ وَ أتباعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي
 آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الحَقِّ آمِينَ يَا ذَا
 الجَلالِ وَ الإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

زیارت دوم

برای زیارت حضرت حجت علیه السلام این دعا را بخوانید:

« السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ وَ خَلِیْفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِيْنَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَجَبِّينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ الْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى وَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ السَّلَامُ عَلَیْكَ سَلَامَ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا عَرَّفَكَ بِهِ اللَّهُ وَ نَعَتَكَ بِبَعْضِ نِعَوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَ فَوْقَهَا أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَ مَنْ بَقِيَ وَ أَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ وَ أَوْلِيَاءَكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَ أَعْدَاءَكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ وَ أَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ وَ فَاتِحُ كُلِّ رَتْقٍ وَ مُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ وَ مُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ رَضِيْتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَ هَادِيًا وَ وَلِيًّا وَ مُرْشِدًا لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَ لِيَا أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ وَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ لَا أَرْتَابُ لِطُولِ الْعَيْبَةِ وَ بَعْدَ الْأَمَدِ وَ لَا أَتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَ جَهِلَ بِكَ مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيَّامِكَ وَ أَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَا يُنَازَعُ [تُنَازَعُ] وَ الْوَلِيُّ الَّذِي لَا يُدَافِعُ [تُدَافِعُ] ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ وَ إِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِثْتِقَامِ مِنَ الْجَاحِدِينَ الْمَارِقِينَ أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتَكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ

وَ تَزَكَّى الْأَفْعَالُ وَ تُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَ تُمْحَى السَّيِّئَاتُ فَمَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ وَ
 اعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَ صُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَ تَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ وَ مُحِيَتْ
 سَيِّئَاتُهُ وَ مَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَ جَهِلَ مَعْرِفَتَكَ وَ اسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ
 عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَ لَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنَ أَشْهَدُ اللَّهَ
 وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذَا ظَاهِرُهُ كِتَابِيهِ وَ سِرُّهُ كَعَلَانِيَتِهِ وَ أَنْتَ
 الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ وَ هُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَ مِيثَاقِي لَدَيْكَ إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ وَ
 يَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ وَ عِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ وَ بِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ فَلَوْ تَطَاوَلَتِ
 الدُّهُورُ وَ تَمَادَتِ الْأَعْمَارُ [الْأَعْصَارُ] لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا وَ
 عَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا وَ مُعْتَمِدًا [تَوَكُّلًا وَ اعْتِمَادًا] وَ لِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَ مُنْتَظَرًا [
 تَوَقُّعًا وَ انْتِظَارًا] وَ لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا [إِلَّا تَرَقُّبًا] فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ
 وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ جَمِيعَ مَا خَوْلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ التَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ
 مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَ أَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ فَهَذَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ الْمُتَصَرِّفُ
 بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ الْفُوزَ لَدَيْكَ مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكَنِي
 الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَ بِآبَائِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ
 أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَ رَجْعَةً فِي
 أَيَّامِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَ أَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُؤَادِي مَوْلَايَ وَ قَفْتُ فِي
 زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ قَدْ اتَّكَلْتُ
 عَلَى شَفَاعَتِكَ وَ رَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَ شَفَاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي وَ سَرَّ عَيْوَبِي وَ مَغْفِرَةَ
 زَلَلِي فَكُنْ لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِي وَ اسْأَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ زَلَلِي فَقَدْ تَعَلَّقَ

بِحَبْلِكَ وَتَمَسَّكَ بِوِلَايَتِكَ وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَانْجِزْ
 لَوْلِيَّكَ مَا وَعَدْتَهُ اللَّهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَتَهُ وَأَعْلِ دَعْوَتَهُ وَانصُرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يَا
 رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ الثَّامَّةَ وَمُغَيَّبِكَ
 فِي أَرْضِكَ الْخَائِفَ الْمُتَرْقِّبَ اللَّهُمَّ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا اللَّهُمَّ
 وَأَعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأُفُولِ وَأَجَلِ بِهِ الظُّلْمَةَ وَاكْشِفْ
 بِهِ الْعُقْمَةَ اللَّهُمَّ وَآمِنْ بِهِ الْبِلَادَ وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ اللَّهُمَّ اَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا
 مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ائْذَنْ لَوْلِيَّكَ فِي
 الدُّخُولِ إِلَى حَرَمِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ
 بَرَكَاتُهُ»

زیارت سوم

زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده و آن چنان است که
 می‌گویی:

« السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ وَالْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي
 الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَّمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ السَّلَامُ عَلَى
 خَلْفِ السَّلَفِ وَ صَاحِبِ الشَّرَفِ السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَ كَلِمَةِ الْمَحْمُودِ السَّلَامُ
 عَلَى مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدِلِّ الْأَعْدَاءِ السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ
 السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ
 الزَّاهِرِ [وَ النُّورِ الْبَاهِرِ] السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَ بَدْرِ [الْبَدْرِ] التَّمَامِ

السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةَ [فِطْرَةَ] الْأَيَّامِ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّنَمِصَامِ وَ
 فَلَاقِ الْهَامِ السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْثُورِ وَ الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ
 فِي بِلَادِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ الْمُنتَهِي إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ
 الْأَصْفِيَاءِ [السَّلَامُ عَلَى] الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السَّرِّ وَ الْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ
 الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يَلْمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَ يَمْلَأَ بِهِ
 الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ يُمَكِّنَ لَهُ وَ يُتَجَزَّ بِهِ وَ عَدَدَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنْكَ وَ
 الْأَيْمَةَ مِنْ آبَائِكَ أُمَّتِي وَ مَوَالِيِّي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ أَسْأَلُكَ يَا
 مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ غُفْرَانِ
 ذُنُوبِي وَ الْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي لِي وَ لِأَخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ
 وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

پس بجا آور نماز زیارت را به نحوی که پیش از این ذکر نمودیم
 یعنی دوازده رکعت بعد از هر دو رکعت سلام دهد و تسبیح حضرت
 زهرا علیها السلام بگوید و هدیه کند بسوی آن حضرت و چون از نماز
 زیارت فارغ شدی بگو:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ الدَّاعِي إِلَيْ
 سَبِيلِكَ وَ الْقَائِمِ [بِقِسْطِكَ وَ الْفَائِزِ بِأَمْرِكَ وَ لِيِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ وَ
 مُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ مُبِيرِ الْحَقِّ] وَ الصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةَ وَ الصِّدْقِ وَ
 كَلِمَتِكَ وَ عَيْبَتِكَ وَ عَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ الْمُتَرْقِّبِ الْخَائِفِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةَ
 النَّجَاةِ وَ عِلْمِ الْهُدَى وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَ الْوِثْرِ الْمَوْثُورِ

و مُفَرِّجِ الْكَرْبِ وَ مُزِيلِ الْهَمِّ وَ كَاشِفِ الْبَلْوَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَّةِ
الْهُدَايِينَ وَ الْقَادَةِ الْمَيَامِينِ مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَشْحَارِ وَ أَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ وَ أَيْنَعَتِ
الْأَثْمَارُ وَ اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ غَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِ وَ احْشُرْنَا فِي
زَمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لُؤَائِهِ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»

زیارت چهارم

زیارتی است که هر روز بعد از نماز صبح مولای ما
صاحب الزمان علیه السلام به آن زیارت می شود و آن زیارت این است:
«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَيْثُمْ وَ
مَسِيحِهِمْ وَ عَنِّي وَ وَوَلَدِي وَ عَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ
كَلِمَاتِهِ وَ مُنْتَهَى رِضَاةٍ وَ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ [إِنِّي] أَجِدُّ
لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً فِي رَقَبَتِي اللَّهُمَّ كَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا
الشَّرِيفِ وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَ خَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَ
سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ وَ اجْعَلْنِي مِنْ
الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ
فَقُلْتَ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

علامه مجلسی در بحار فرموده که من در بعض کتب قدیمه

دیده‌ام که بعد از این زیارت دست راست را به دست چپ بزنند
مثل زدن در بیعت.

ذکر صلوات بر حضرت ولی عصر علیه السلام

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَ وَصِيِّهِ وَ وَارِثِهِ
الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَ الْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَ الْمُنتَظِرِ لِإِذْنِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ قَرِّبْ بُعْدَهُ وَ
أَنْجِزْ وَعْدَهُ وَ أَوْفِ عَهْدَهُ وَ اكْشِفْ عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ وَ أَظْهِرْ بَظُهُورِهِ صَحَائِفَ
الْمِخْنَةِ وَ قَدِّمِ أَمَامَهُ الرُّعْبَ وَ ثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ وَ أَيْدِهِ بِجُنْدٍ مِنْ
الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَ سَلِّطُهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ وَ أَلْهِمَّهُ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنَا
إِلَّا هَدَّهٗ وَ لَا هَامَا إِلَّا قَدَّهٗ وَ لَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهٗ وَ لَا فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهٗ وَ لَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهٗ وَ
لَا سِئْرًا إِلَّا هَتَكَهٗ وَ لَا عِلْمًا إِلَّا نَكَّسَهُ وَ لَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ وَ لَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ وَ لَا
مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ وَ لَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ وَ لَا مِئْبَرًا إِلَّا أَحْرَقَهُ وَ لَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ وَ لَا صَنْمًا
إِلَّا رَضَّهٗ وَ لَا دَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ وَ لَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ وَ لَا حِصْنًَا إِلَّا هَدَمَهُ وَ لَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ وَ
لَا قَصْرًا إِلَّا خَرَبَهُ [أَخْرَبَهُ] وَ لَا مَسْكِنًا إِلَّا فَتَّشَهُ وَ لَا سَهْلًا إِلَّا أَوْطَأَهُ وَ لَا جَبَلًا إِلَّا
صَعَدَهُ وَ لَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

دعای عهد

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هر که چهل صباح این عهد
را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت

بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظُّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ [الْفُرْقَانِ] الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ [وَ] الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ [بِاسْمِكَ] الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلَادُ وَ الْأَخْرُونَ يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّي وَ عَنِّ وَ الدِّيِّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ [كِتَابُهُ] وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ [عِلْمُهُ] اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ [وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ] وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْتِي وَ بَيْتَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتِرًا كَفْنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي

الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ نَاطِرِي
 بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنَهْجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ
 أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ
 قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا
 وَ لِيَّكَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا
 مَرْقَهُ وَ يُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُحَقِّقَهُ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا
 يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَّ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ
 أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ
 بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ
 عَلَى دَعْوَتِهِ وَ ارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ
 وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه

می گویی:

«الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»

دعا برای امام زمان علیه السلام

روایت کرده یونس بن عبد الرحمن که: حضرت امام رضا علیه السلام امر
 می فرمودند به دعا کردن از برای حضرت صاحب الامر علیه السلام به این
 دعا:

« اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ
عَنكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ
الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ الْعَابِدِ عِنْدَكَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ
وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَ
مِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ
آبَاءَهُ أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَفِي جِوَارِكَ
الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ وَآمِنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا
يُخَذَلُ مِنْ آمْنَتِهِ بِهِ وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَانصُرْهُ بِنَصْرِكَ
الْعَزِيزِ وَأَيْدِهِ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ بِقُوَّتِكَ وَأُرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَ
عَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَالْبَيْسُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَحُفَّهُ بِالمَلَائِكَةِ حَفَا اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ
الصَّدْعَ وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الْجُورَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَزِينِ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ
وَأَيْدِهِ بِالنَّصْرِ وَانصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَقُوَّةِ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَادِلِيهِ وَدَمْدِمِ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ
دَمَّرِ مَنْ غَشَّهُ وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعَمَدَهُ [عُمَدَهُ] وَدَعَائِمَهُ وَاقْصِمِ بِهِ
رُءُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ وَمُمِيتَةَ السُّنَّةِ وَمُقَوِّتَةَ الْبَاطِلِ وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ
وَأَبْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَ
سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ
اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسَ حُكْمِ
النَّبِيِّينَ وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ
عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مَحْضًا صَاحِحًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ وَحَتَّى تُبَيِّرَ بَعْدْلَهُ

ظَلَمَ الْجَوْرَ وَ تَطْفِئِ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ تَوْضِحْ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ فَإِنَّهُ
عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اضْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ
بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَ لَا أَتَى حُوبًا وَ لَمْ يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ
يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ
شَرِيعَةً وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي
نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ بِهٖ عَيْنُهُ وَ تَسْرِبُهُ بِهٖ نَفْسُهُ وَ
تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا حَتَّى تُجْرِيَ
حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يَغْلِبَ [تَغْلِبَ] بِحَقِّهِ [عَلَى كُلِّ] كُلِّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ اسْلُكْ
بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا
الْعَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا النَّالِي وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبَّنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ امْنُنْ عَلَيْنَا
بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ
بِمَنَاصِحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ وَ
اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ
وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ أَعِدَّنَا مِنْ
السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفُتْرَةِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَ لَا
تَسْتَبْدِلُ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ أَعِزِّ نَصْرَهُمْ وَ
تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَ ثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَ عَلَى

دینک انصارا فإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُزَّانُ عِلْمِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ
دینک وَ وُلاةُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ وَ
سَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَ السَّلَامُ [عَلَيْهِ وَ] عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ»

استغاثه به امام زمان علیه السلام

سید علی خان در کلم طیب فرموده: این استغاثه ای است به
حضرت صاحب الزمان علیه السلام هر جا که باشی دو رکعت نماز بحمد و
هر سوره که خواهی بگزار پس رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:
« سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ النَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ
النَّامَةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَ وَليِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ وَ سُلَالَةِ
النُّبُوَّةِ وَ بَقِيَّةِ الْعِرَّةِ وَ الصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَ مُلَقِّنِ [مُعَلِّنِ]
أَحْكَامِ الْقُرْآنِ وَ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ
الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ [الْمُرْتَضَى] وَ ابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ ابْنِ
الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مِعْزَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ
الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ وَ الْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ

أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ
الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ
جَوْرًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ وَ كَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَ
أَعْوَانَكَ وَ أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ
الزَّمَانِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَ كَذَا وَ بَجَائِ كَذَا وَ كَذَا حَاجَاتِ خُودِ رَا ذَكَر
كَند فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ
شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَ مَقَامًا مَحْمُودًا فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ وَ بِالشَّانِ
الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ سَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي وَ إِجَابَةِ دَعْوَتِي وَ
كَشْفِ كُرْبَتِي «

و بخواه هر چه خواهی که برآورده میشود این شاء الله تعالی
مؤلف گوید که بهتر آن است که در رکعت اول نماز این استغاثه بعد
از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم إذا جاء نصر الله .

نماز حضرت صاحب الزمان علیه السلام

دو رکعت است می خوانی در هر رکعت سوره حمد را تا:

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

و چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می گویی و در مرتبه
آخر سوره را تمام می کنی پس قل هو الله أحد را یک بار می خوانی و

چون از نماز فارغ شدی این دعا را می خوانی:

«اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَبَرِحَ الْخَفَاءِ وَانْكَشَفَ الْغَطَاءِ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ
السَّمَاءُ وَإِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَأَظْهِرْ
إِعْرَازَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا
عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ انْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ احْفَظَانِي
فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ يَا
صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ

«

ادعیه فرج دعای اول

شیخ کفعمی در بلد الامین دعایی مروی از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که: هر ملهوف و مکروب و محزون و
گرفتار و ترسانی بخواند آن را حق تعالی او را فرج کرامت فرماید و
آن دعا این است:

«يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ وَيَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَيَا حِوْزَ
مَنْ لَا حِوْزَ لَهُ وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ وَيَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ وَيَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ يَا
كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا عَوْنَ الضُّعْفَاءِ يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُنْقِذَ

الْعَزَقَى يَا مُنْجِي الْهَلْكَى يَا مُحْسِنُ يَا مُجِيبُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ
سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ
يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا إِلَهَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ» پس بطلب هر چه حاجت داری

دعاى دوم

«اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ ضَاقتِ الْأَرْضُ وَ مَنْعَتِ
السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الَّذِينَ فَرضتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَرَجَّحْنَا
بِحَقِّهِمْ فَرَجَا عَاجِلًا كَلْمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا
مُحَمَّدُ انْصِرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ وَ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ
الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي»

دعاى سوم

«إِلَهِي طُمُوخُ الْأُمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَ مَعَاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ
وَ مَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ إِلَّا إِلَيْكَ فَأَنْتَ الرَّجَاءُ وَ إِلَيْكَ الْمُلتَجَأُ يَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ وَ
أَجْوَدَ مَسْئُولٍ هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ أَحْمِلُهَا عَلَيَّ
ظَهْرِي لَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ شَافِعًا سِوَى مَعْرِفَتِي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ رَجَاهُ الطَّالِبُونَ وَ أَمَلَّ
مَا لَدَيْهِ الرَّاعِبُونَ يَا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَ أَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ وَ جَعَلَ مَا امْتَنَّ
بِهِ عَلَيَّ عِبَادَهُ فِي كِفَاءٍ لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ [أَنَالَ بِهِ حَقَّهُ] صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تَجْعَلْ

لِلشَّيْطَانِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا وَلَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي دَلِيلًا»

دعای چهارم

«اللَّهُمَّ يَا وَدُودُ يَا وَدُودُ يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ أَسْأَلُكَ بِعِزِّكَ
الَّذِي لَا يُرَامُ وَبِمُلْكِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَبِنُورِكَ الَّذِي مَلَأَ أَرْكَانَ عَرْشِكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكْفِيَنِي كَذَا وَكَذَا يَا مَغِيثُ أَيُّغِيثِي يَا مَغِيثُ أَيُّغِيثِي يَا
مَغِيثُ أَيُّغِيثِي»

دعا در زمان غیبت

حذر کن از آنکه مهمل گذاری خواندن این دعا را پس بدرستی که
ما شناختیم این را از فضل خداوند جل جلاله که مخصوص فرموده
ما را به آن پس اعتماد کن به آن و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ
عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي
حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ
وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ
وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ وُلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى
وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالحَسَنَ وَالحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

اللَّهُمَّ فَتَبِّسْنِي عَلَى دِينِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ لِيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي
 مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ تَبِّسْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ وَ
 بِإِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ وَ أَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ
 صَلَاحُ أَمْرٍ وَ لِيَّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ كَشْفِ سِرِّهِ فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى
 لَا أُحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَ لَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَ لَا الْبَحْثَ عَمَّا
 كَتَمْتَ وَ لَا أَنْزَعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَ لَا أَقُولَ لِمَ وَ كَيْفَ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَ
 قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَ أَفْوَضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ
 تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَ الْقُدْرَةَ وَ الْبُرْهَانَ
 وَ الْحُجَّةَ وَ الْمَشِيئَةَ وَ الْحَوْلَ وَ الْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى نَنْظُرَ
 إِلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ وَاضِحَ الدَّلَالَةِ هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ
 شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ أَبْرُزْ يَا رَبُّ مُشَاهِدَتَهُ وَ ثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ
 بِرُؤْيَيْهِ وَ أَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَ تَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ
 جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ
 خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ [وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ] بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ
 مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ وَ مَدِّ
 فِي عُمْرِهِ وَ زِدْ فِي أَجَلِهِ وَ أَعِنُّهُ عَلَى مَا وَ لَيْتُهُ وَ اسْتَرْعَيْتُهُ وَ زِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ فَإِنَّهُ
 الْهَادِي الْمُهْدِي وَ الْقَائِمُ الْمُهْتَدِي وَ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ
 الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ اللَّهُمَّ وَ لَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ
 خَبْرِهِ عَنَّا وَ لَا تُسِنَا ذِكْرَهُ وَ انْتَظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ بِهِ وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَ الدُّعَاءَ لَهُ

وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقْنَطَنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ وَ يَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْفِينَا
فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَ تَنْزِيلِكَ فَقَوْ
قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى
وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى وَ قَوَّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ [مُشَايَعَتِهِ] وَ اجْعَلْنَا فِي
حِزْبِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَ لَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ
وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ لَا مُرْتَابِينَ وَ لَا
مُكَذِّبِينَ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ دَمْدِمْ
عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ أَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمِثَ بِهِ الْجَوْرَ وَ اسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ
الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ وَ انْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ الْجَبَابِرَةَ وَ الْكُفْرَةَ
مِصْبَاحِ الزَّائِرِ وَ اقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ الْكَافِرِينَ وَ أَبْرِ بِهِ
الْمُنَافِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ جَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا
وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا طَهَّرْ
مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ أَصْلِحْ بِهِ
مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَ غَيَّرَ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا
صَحِيحًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ
الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ وَ اضْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ عَصَمْتَهُ
مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ أَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ
الرَّجْسِ وَ نَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى
شِيعَتِهِ الْمُتَتَجِبِينَ وَ بَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ مَا يَأْمُلُونَ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ

شَكِّ وَ شُبُهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ اللَّهُمَّ
 إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا وَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا [وَ لَيْتَنَا] وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ
 بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدِدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ
 مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ
 أَنْ تَأْذَنَ لِوَلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَ قَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا
 تَدَعَ لِلجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَ لَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَ لَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَ لَا
 رُكْنَاً إِلَّا هَدَمْتَهُ وَ لَا حِدَاً إِلَّا فَلَطْتَهُ وَ لَا سِلَاحاً إِلَّا أَكَلْتَهُ وَ لَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَ لَا
 شَجَاعاً إِلَّا قَتَلْتَهُ وَ لَا جَيْشاً إِلَّا خَذَلْتَهُ وَ أَرْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَ اضْرِبْهُمْ
 بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَ بِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَ عَذِّبْ أَعْدَاءَكَ وَ
 أَعْدَاءَ وَ لِيِّكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِيَدِ وَ لِيِّكَ وَ أَيْدِي عِبَادِكَ
 الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ اكْفِ وَ لِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَ كَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ |
 كَادَهُ | وَ أَمَكْرَ بَمَنْ مَكَرَ بِهِ وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً وَ اقْطَعْ عَنْهُ
 مَادَّتَهُمْ وَ أَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ وَ زَلِزِلْ أَقْدَامَهُمْ وَ خَذِهِمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً وَ شَدِّدْ عَلَيْهِمْ
 عَذَابَكَ وَ أَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَ الْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ وَ أَشْكِنُهُمْ أَشْفَلَ نَارِكَ وَ أَحْطِبِهِمْ
 أَشَدَّ عَذَابِكَ وَ أَضْلِهِمْ نَاراً وَ أَحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً وَ أَضْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ فَإِنَّهُمْ
 أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَ أَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ أَخْرَبُوا بِلَادَكَ اللَّهُمَّ وَ أَخِي
 بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ وَ أَرِنَا نُورَهُ سَرْمَداً لَا لَيْلَ فِيهِ وَ أَخِي بِهَ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَ أَشْفِ بِهِ
 الصُّدُورَ الْوُغِرَةَ وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَ أِقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَ
 الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ

أَعْوَانِهِ وَ مَقْوِيَةَ سُلْطَانِهِ وَ الْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَ الرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَ الْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ
وَ مِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ وَ تُجِيبُ
الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَ تُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَ لِيَّكَ وَ اجْعَلْهُ
خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ
وَ الْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِذْنِي وَ اسْتَجِرْ
بِكَ فَأَجِرْنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ فِي
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»

دعای ندبه

مستحب است در چهار عید یعنی عید فطر و قربان و غدیر و
روز جمعه بخوانند و آن دعا این است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ
تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ
لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ
وَ لَا اضْمِحْلَالَ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَ زُخْرُفِهَا
وَ زِيْرَجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ وَ قَدَّمْتَ
لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَ الشَّاءَ الْجَلِيَّ وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَ
رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُمُ الدَّرِيْعَةَ [الدَّرَائِعَ] إِلَيْكَ وَ الْوَسِيْلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ

فَبَعْضُ أَشْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَ [مَعَ] مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا وَ سَأَلَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَحِبِّهِ رِءَاءًا وَ وَزِيرًا وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي وَ آتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ وَ كُلُّ [وَ كَلَّا] شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ [أَوْصِيَاءَهُ] مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ [مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ] مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ وَ لِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَ لَا [لِئَلَّا] يَقُولَ أَحَدٌ لَوْ لَا أُرْسَلْتَ الْبِنَارِ سُوْلًا مُنْذِرًا وَ أَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزَى إِلَى أَنْ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَ نَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ وَ صَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ وَ أَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ وَ أَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ قَدَمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ بَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَ أَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَ مَغَارِبَكَ وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَ عَرَّجْتَ بِرُوحِهِ [بِهِ] إِلَى سَمَائِكَ وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَ حَفَقْتَهُ بِجَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ وَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأً صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ وَ جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ قُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ قُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ وَ قُلْتَ

مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ
 وَ الْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
 صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَ الْمَلَأُ أَمَامَهُ
 مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ
 اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ وَ قَالَ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ
 وَاحِدَةٍ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّىٰ وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ فَقَالَ لَهُ أَنْتَ
 مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ زَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ
 الْعَالَمِينَ وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ
 حِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ
 بَابِهَا ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَارِثِي لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي وَ دَمِكَ مِنْ دَمِي وَ
 سِلْمِكَ سِلْمِي وَ حَرْبِكَ حَرْبِي وَ الْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَ دَمِكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ
 دَمِي وَ أَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَ أَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَ تُشْجِرُ عِدَاتِي وَ شِيعَتِكَ
 عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبِيضَةٍ وَ جُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ جِيرَانِي وَ لَوْ لَا أَنْتَ يَا
 عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ نُورًا مِنَ الْعَمَى وَ
 حَبْلَ اللَّهِ الْأَمْتِينَ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَ لَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَ
 لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا وَ يُقَاتِلُ
 عَلَى التَّأْوِيلِ وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ قَدْ وَتَرَ فِيهِ صِنَادِيدَ الْعَرَبِ وَ قَتَلَ
 أَبْطَالَهُمْ وَ نَارِشَ [نَاهَشَ] ذُؤَبَانَهُمْ فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً
 وَ غَيْرَهُنَّ فَأَضَبَّتْ [فَأَصْنَتْ] [فَأَصَنَ] عَلَى عِدَاوَتِهِ وَ أَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى
 قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَ لَمَّا قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ أَشْقَى [الْأَشْقِيَاءِ مِنْ

الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ [الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَ الْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى
 قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَ إِقْصَاءِ وَ لَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ
 سُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَ أُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ
 كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ
 وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ
 بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَتَدَبَّ
 النَّادِبُونَ وَ لِيَمِثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرَفِ [فَلْيَتَذَرَفِ] الدُّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ وَ يَصِحُّ [يَصِحُّ
 [الضَّاجُونَ وَ يَعِجُّ [يَعِجُّ] الْعَاجُونَ أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ
 صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ
 الْخَيْرَةِ أَيْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ أَيْنَ أَعْلَامِ
 الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمُعَدِّ لِقَطْعِ
 دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَ الْعِوَجِ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَ
 الْعُدْوَانِ أَيْنَ الْمُدْخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ [الْمُتَّخِذُ] لِإِعَادَةِ
 الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ أَيْنَ مُخَيَّبِ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ
 أَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أُبْنِيَةِ الشُّرُكِ وَ النِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ
 الْفُسُوقِ وَ الْعِصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغَيِّ وَ الشُّقَاقِ [النِّفَاقِ] أَيْنَ
 طَامِسِ آثَارِ الزَّيْغِ وَ الْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ [الْكِذْبِ] وَ الْاِفْتِرَاءِ أَيْنَ
 مُبِيدِ الْعُتَاةِ وَ الْمَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَ التَّضْلِيلِ وَ الْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ
 وَ مُذِلِّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ [الْكَلِمِ] عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ

يُوتَى أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ
السَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا
أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أُنْبَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبُ [الْمُطَالِبُ] بِدَمِ الْمُقْتُولِ
بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا
دَعَا أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ [الْخَلَائِفِ] ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ
ابْنُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَ ابْنُ خَدِجَةَ الْغَرَاءِ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ
نَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَ الْحِمَى يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ
الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ [الْمُهْتَدِينَ] يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيِّينَ يَا ابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ يَا
ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ [الْمُسْتَظْهِرِينَ] يَا ابْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُتَجَبِّينَ يَا ابْنَ
الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ [الْأَكْبَرِينَ] يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ يَا ابْنَ
الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ
يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا ابْنَ
الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ [الْمَشْهُورَةِ] يَا ابْنَ الصِّرَاطِ
الْمُسْتَقِيمِ يَا ابْنَ النَّبَا الْعَظِيمِ يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ يَا ابْنَ
الآيَاتِ وَ الْبَيِّنَاتِ يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ يَا
ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ يَا ابْنَ طَهٍ وَ الْمُحْكَمَاتِ يَا ابْنَ يَسٍ وَ
الذَّارِيَاتِ يَا ابْنَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى
دُنُوزًا وَ اقْتَرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَيُّ أَرْضٍ
تَقْلُكَ أَوْ تَرَى أَبْرَضَوَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تَرَى وَ
لَا أَسْمَعُ [أَسْمَعُ] لَكَ حَسِيسًا وَ لَا نَجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي [لَا

تُحِيطُ بِبِي دُونَكَ [الْبَلْوَى وَ لَا يَتَاكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَ لَا شَكْوَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ
مُغَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ [يَنْزَحُ] عَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةُ
شَائِقٍ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزٌّ لَا يُسَامِي
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِي [يُحَادِي] بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لَا تُضَاهِي
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي إِلَى مَتَى أَحَارُ [أَجَارُ] فِيكَ يَا مَوْلَايَ وَ
إِلَى مَتَى وَ أَيِّ خِطَابٍ أَصِفُ فِيكَ وَ أَيِّ نَجْوَى عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَ [أَوْ]
أَنَاغِي عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُلُكَ الْوَرَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ
مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَ الْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاسَاعِدْ جَزَعَهُ إِذَا
خَلَا هَلْ قَدِيتُ عَيْنٌ فَسَاعِدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى
هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَئِذٍ مِنْكَ بَعْدَهُ [بَعْدِهِ] فَنَحْطِي مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي مَتَى
نَتَّقِعُ مِنْ عَذْبٍ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى نُغَادِيكَ وَ نُرَاوِحُكَ فَتَقَرَّ عَيْنَا [فَتَقَرَّ
عُيُونُنَا] مَتَى تَرَانَا [وَ] نَرَاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِيَوَاءِ النَّصْرِ تُرَى أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ
أَنْتَ تَوْمُ الْمَلَأَ وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَدَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا وَ أَبْرَتِ الْعَتَاةَ
وَ جَحَدَةَ الْحَقِّ وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ اجْتَشَشْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ وَ نَحْنُ نَقُولُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي
فِعِنْدَكَ الْعُدْوَى وَ أَنْتَ رَبُّ الْأَخِرَةِ وَ الدُّنْيَا [الْأُولَى] فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
عَبِيدَكَ الْمُبْتَلَى وَ أَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَ أَرِزْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَ الْجَوَى وَ بَرِّدْ
غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَ الْمُنْتَهَى اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ
التَّائِقُونَ [الشَّائِقُونَ] إِلَى وَ لِيَّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَ بِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا وَ
أَقَمْتَهُ لَنَا قَوَامًا وَ مَعَاذًا وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا وَ زِدْنَا

بِذَلِكَ يَا رَبِّ اِكْرَامًا وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا وَ اَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ
 اِيَّاهُ اَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ [جَنَّاتِكَ] وَ مُرَافِقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ [وَ] رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ وَ
 عَلَى [عَلِيِّ] اَبِيهِ السَّيِّدِ الْاَصْغَرِ وَ جَدَّتِهِ الصُّدَيْقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ
 عَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ اَبَائِهِ الْبَرَّةِ وَ عَلَيْهِ اَفْضَلُ وَ اَكْمَلُ وَ اَتَمُّ وَ اَدْوَمُ وَ اَكْثَرُ وَ اَوْفَرُ
 مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيائِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ
 لِعَدَدِهَا وَ لَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَ لَا نَفَادَ لِمَدِّهَا اللَّهُمَّ وَ اَقِمِّ بِهِ الْحَقَّ وَ اَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَ
 اَدِلْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَ اَذِلِّ بِهِ اَعْدَاءَكَ وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصْلَةً تُؤَدِّي اِلَى
 مُرَافِقَةِ سَلْفِهِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَ اَعِنَّا عَلَى تَادِيَةِ
 حُقُوقِهِ اِلَيْهِ وَ الاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ وَ اٰمِنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَ هَبْ لَنَا
 رَافِقَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ فَوْزًا عِنْدَكَ وَ اجْعَلْ
 صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَ دُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا وَ اجْعَلْ اَرْزَاقَنَا بِهِ
 مَبْسُوطَةً وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً وَ اَقْبِلْ اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ
 اَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ وَ اَنْظِرْ اِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا
 تَصْرِفُهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَاسِهِ وَ بِيَدِهِ رَبِّانَا
 رَوِيًا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

پس نماز زیارت بجای می آوری بنحوی که گذشت و دعا می کنی
 به آنچه خواهی که به اجابت خواهد رسید. ان شاء الله
